

طنینِ باورها ۱

عقاید و سبک زندگی

نسخه مرتبی

برگرفته از

سیرهٔ پیامبر اکرم
صلی الله علیه و آله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طنین باورها ۱

عقاید و سبک زندگی

نسخه مرتبی

برگرفته از

سیره پیامبر اکرم
صلی الله علیه و آله

نسخه حاضر، راهنمای آموزشی ویژه مربیان برای تدریس کتاب زیر است:

سرشناسه: مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت سفیران (مهر و ایمان)

عنوان و نام پدیدآور: طنین باورها (۱)، عقاید و سبک زندگی، برگرفته از سیره پیامبر اکرم ﷺ

جمعی از نویسندگان؛ به اهتمام مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت سفیران (مهر و ایمان).

مشخصات نشر: مشهد: آستان قدس رضوی، شرکت به نشر، ۱۴۰۳. **مشخصات ظاهری:** ۲۰ص؛ مصور (بخشی رنگی).

فروست: شرکت به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)؛ ۳۱۹۵. طنین باورها؛ (۱).

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۲-۳۷۵۶-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

شناسه افزوده: مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت سفیران .

شناسه افزوده: شرکت به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)

شناسه افزوده: Behnashr Company (Astan Quds Razavi Publications) رده بندی کنگره: BP۲۲/۹ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۳

شماره کتابشناسی ملی: ۹۷۷۵۹۱۵

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا



این راهنما، با ارائه نکات تربیتی، مطالب فراتر از کتاب و پاسخ «معمای دانش»، مربی را در مسیر آموزشی یاری می دهد. به روزرسانی های احتمالی این نسخه در سامانه سفیران قرار خواهد گرفت و با اسکن نشان روبرو قابل دسترسی است.

۳۱۹۵

طنین باورها (۱)

عقاید و سبک زندگی

نسخه مربی

برگرفته از

سیره پیامبر اکرم ﷺ



به نشر

انتشارات آستان قدس رضوی

به اهتمام: مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت سفیران

نوبت و سال چاپ: اول / ۱۴۰۳ | قطع: خشتی

ناشر: به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۲-۳۷۵۶-۴

جهت آگاهی از فرآیند برگزاری کلاس های تربیتی و دریافت

بسته های آموزشی، می توانید با مؤسسه فرهنگی سفیران

با شماره ۰۵۱۳۶۰۸۰۰۱۰ یا ۰۹۲۰۴۰۰۱۴۱۲ تماس بگیرید.

دفتر مرکزی:

مشهد مقدس، بلوار سجاد، خیابان میلاد

صندوق پستی: ۴۹۶۹ / ۹۱۳۷۵ | تلفن و دورنگار: ۳۷۶۵۲۰۰۸

دفتر تهران: تلفن و دورنگار: ۸۸۹۶۰۴۶۶

فهرست



- سخن سفیران ۵
- درس (۱) سپیده دم معرفت ۱۳
- اعتقادات: توحید؛ اقرار قلبی و زبانی به یگانگی خداوند ۱۴
- درس (۲) دلدادگی ۲۳
- سبک زندگی: خدامحوری؛ دوست داشتن خدا ۲۴
- درس (۳) گامی به سوی پاکی ۲۹
- سبک زندگی: خدامحوری؛ حیا از خدا و دوری از گناهان ۳۰
- درس (۴) اعتماد ۳۵
- سبک زندگی: خدامحوری؛ توکل ۳۶
- درس (۵) مسیر ابدیت ۳۹
- اعتقادات: معاد؛ قیامت و ویژگی های آن ۴۰
- درس (۶) دوراهی ۴۵
- سبک زندگی: آخرت محوری؛ ترجیح ندادن دنیا به آخرت ۴۶
- درس (۷) زمزمه مهربانی ۵۱
- سبک زندگی: اخلاق محوری؛ متواضع بودن و دوری از تکبر ۵۲

درس ۸) صدای آرامش ۵۷

• سبک زندگی: اخلاق محوری؛ صبوری نسبت به اشتباهات دیگران ۵۸

درس ۹) نشانی از او ۶۱

• اعتقادات: حجت محوری؛ اثبات نبوت ۶۲

درس ۱۰) اقیانوس مهر ۶۷

• اعتقادات: نبوت؛ مقام شفاعت ۶۸

درس ۱۱) کیمیای اثر ۷۳

• سبک زندگی: اخلاق محوری؛ نرمخویی ۷۴

درس ۱۲) نجوای انصاف ۷۹

• سبک زندگی: اخلاق محوری؛ انصاف ۸۰

درس ۱۳) وارثان خورشید ۸۵

• اعتقادات: امامت؛ جانشینان راستین پیامبر ﷺ ۸۶

درس ۱۴) دوستی با دوستان ۸۹

• سبک زندگی: حجت محوری؛ دوست داشتن دوستان اهل بیت ﷺ ۹۰

درس ۱۵) همراه حق ۹۳

• اعتقادات: امامت؛ همراهی حق با امام معصوم ﷺ ۹۴

درس ۱۶) کلید خوشبختی ۹۷

• سبک زندگی: اخلاق محوری؛ نیکی به والدین ۹۸

سخن سفیران



طرح «مهر و ایمان» تلاش می‌کند تا بذری «مهر» اهل بیت علیهم‌السلام را در دل‌های تشنه و دورمانده از امام خود آبیاری کند؛ امامانی که «ایمان» عجین با مهرشان است.

این طرح در دو سطح سه‌ساله، یعنی شش سال برنامه‌ریزی شده که هر سطح شامل شش کتاب آموزشی و تربیتی است. هدف این طرح، تبیین مفاهیم «مهر و ایمان» است. این تبیین می‌تواند از طریق تدریس کتاب توسط مربی در کلاس باشد، یا از راه مطالعه شخصی و با استفاده از یک الگو و سیر مطالعاتی مشخص.

سلسله کتاب‌های سطح اول با عنوان «آیین مؤمنانه» پیش‌تر توسط انتشارات آستان قدس رضوی (به نشر)، انتشار یافته بود که هر کتاب شامل سه بخش قرآن، اخلاق و احکام است.

در بخش «قرآن» از سلسله کتاب‌های سطح اول، با آموزه‌های اعتقادی، اخلاقی و رفتاری کتاب آسمانی خود آشنا شدیم. با توجه به «حدیث ثقلین» که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله «اهل بیت علیهم‌السلام و قرآن» را از یکدیگر جدایی ناپذیر دانسته‌اند، در سلسله کتاب‌های سطح دوم با سیره اهل بیت علیهم‌السلام آشنا می‌شویم. تا در این دوره شش ساله با مفاهیم اصلی و معارف قرآن و عترت انس گرفته باشیم.

آشنایی با سیره اهل بیت علیهم‌السلام، صرفاً به تاریخ زندگانی ایشان محدود نمی‌شود؛ بلکه سیره اعتقادی، اخلاقی، رفتاری و رهنمودهایشان را نیز برای بهتر زیستن شامل می‌شود. این هدف در شش کتاب سطح دوم، میان ۹۶ درس دنبال شده تا با سیره زندگی چهارده معصوم علیهم‌السلام آشنا شویم.



معرفی محتوای کتاب

کتابی که پیش روی شماست، دومین سطح از مجموعه کتاب‌های طرح بوده که با عنوان «**طنین باورها**» منتشر شده است. «طنین باورها» به معنای **بازتاب اعتقادات و باورها** در زندگی است. این انعکاس بر دو پایهٔ اساسی در این کتاب صورت گرفته است:

پایهٔ اول: باورها و اعتقادات، در پنج محور **توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد** به صورت **ساده و شفاف** بیان شده است. این **پنج اصل اعتقادی** به صورت ساده و روان در ۶ جلد کتاب به صورت ترکیبی طوری بیان شده که هر کتاب شامل موضوعاتی از اصول مختلف باشد.

پایهٔ دوم: با تبیین باورها، موضوعاتی پیرامون **سبک زندگی** مطرح شده تا کمک به تغییر کردن **رفتار و بهبود** زندگی شود. سبک زندگی‌ها بر اساس اصول بیان شدهٔ اعتقادی در چهار محور زیر ارائه شده‌اند:

سبک زندگی خدا محور (توحید و عدل) 

سبک زندگی حجت محور (نبوت و امامت) 

سبک زندگی آخرت محور (معاد) 

سبک زندگی اخلاق محور (موضوعات اخلاقی و اجتماعی) 

بصورت کلی زمانی می‌توان گفت که یک باور و اعتقاد **درونی و نهادینه** شده که در **رفتار و عمل** نمایان شود. در غیر این صورت، تنها در حد حرف و سخن باقی مانده است.

ویژگی برجستهٔ این مجموعه کتاب، تقسیم‌بندی باورها و سبک زندگی در جلد‌های مختلف و در قالب **زندگی ۱۴ معصوم** علیه السلام است. این کار به گونه‌ای انجام شده که در هر کتاب، ضمن آشنایی با زندگی معصومان،



سیره اعتقادی، اخلاقی و رفتاری ایشان تبیین شود و **تغییر و بهبود زندگی** را پدید آورد. بدیهی است که تقسیم باورها و سبک زندگی میان معصومان علیهم السلام، به معنای وجود اختلاف در عقاید یا تمایز شیوه‌های صحیح زندگی نیست؛ چراکه **همه آنان حجت‌های الهی‌اند** و از یک حقیقت واحد سرچشمه می‌گیرند. در واقع، باورها و سبک زندگی مورد رضایت خداوند، در چهارده بخش به صورت مرتبط با زندگی هر یک از معصومان تبیین شده است.

معرفی بخش‌های کتاب



برای آشنایی بیشتر با شیوهٔ ارائهٔ بحث در کتاب، باید بدانیم که هر درس، شامل بخش‌های زیر است:

معصومان در آینهٔ قرآن: ابتدای هر درس با شمارهٔ فرد، یکی از آیات قرآن که در شأن چهارده معصوم علیهم السلام نازل شده، به همراه روایت تفسیری آن ارائه شده است. اگر این آیات را به مرور زمان به خاطر بسپاریم، در پایان دوره، ۴۸ آیهٔ موضوعی در شأن معصومان علیهم السلام را به همراه تفسیر آن‌ها حفظ کرده‌ایم.

برگی از زندگانی: ابتدای هر درس با شمارهٔ زوج، بخشی از تاریخ زندگی معصومان علیهم السلام آمده تا با تاریخ و زندگی ایشان بیشتر آشنا شویم.

بیان موضوع درس: توضیحاتی است که موضوع اصلی، محتوای درس و چارچوب مطالب را روشن و تبیین می‌کند.

برای مثال: نمونه و مثالی است که به روشن‌تر شدن مطلب درس و آشنایی بیشتر ذهن با موضوع مطرح شده کمک می‌کند.

لحظه‌ای درنگ: دعوتی به توقف و تأمل است تا لحظاتی فکر کنیم. نباید فقط دنبال آن باشیم که محتوای درس زودتر تمام شود، زیرا هدف تنها افزایش دانش نیست. «دانش» باید به «بینش و تغییر در سبک زندگی» بیانجامد.

بنابراین، «لحظه‌ای درنگ» باید به‌طور واقعی رُخ دهد و مدّتی از ادامه محتوای درس دست کشید، به راستی لحظاتی درنگ کرد، با تأمل روی محتوا، تصمیمی جدید گرفت و سپس درس را ادامه داد.

داستانک روایی: این بخش، حدیث با امام بودن است. بیان روایتی داستان‌گونه یا پرسش و پاسخی است که در محضر امام معصوم علیه السلام رُخ داده و ولیّ خدا پندی مهربانانه به ما فرموده‌اند. این بخش از آن رو انتخاب شده که معمولاً، پیام و هدف در قالب یک داستان تأثیر بیشتری دارد. برای همین، جای نقل یک روایت تنها، از داستانک روایی استفاده شده است.

نکته کلیدی: گاهی برخی مطالب اهمیت زیادی دارند و باید مانند تابلویی برجسته در ذهن نقش ببندند و به عنوان کلیدی برای گشودن مسیرها عمل کنند. نکته کلیدی به بیان این نوع مطالب می‌پردازد.

به خاطر بسپاریم: آیه و حدیثی کوتاه و کلیدی است که باید به خاطر سپرده شود، روزانه تکرار شود و به آن عمل کنیم. گاهی تکرار روزانه یک آیه و روایت می‌تواند به ما کمک کند تا به آن کلام نورانی پایبند باشیم. اگر در هر درس و هر هفته یک آیه و حدیث را به خاطر بسپاریم، در پایان دوره ۹۶ کلام نورانی را حفظ کرده‌ایم.

معمای دانش: معمایی است از جنس دانش و بینش؛ فعالیتی برای ژرف‌اندیشی در محتوای درس، مواجهه با یک چالش واقع‌گرایانه و حل مسئله. «معمای دانش» این فرصت را به ما می‌دهد تا بینیم آیا مضامین درس به‌خوبی فرا گرفته شده یا خیر؟ از این‌رو، وقت‌گذاری روی این بخش بسیار مهم است و نباید با سهل‌انگاری از آن گذشت. اساساً، شروع فهمیدن و تغییر با دست به قلم شدن رُخ می‌دهد. بنابراین، در کلاس‌های درس نیز باید به دانش‌آموزان فرصت کافی داده شود تا نظر خود را بنویسند و برای دوستان و مربی‌شان بخوانند. علاوه بر اینکه با دست به قلم شدن، روند تغییر در دانش‌آموزان آغاز می‌شود، گاهی زاویه نگاه و پاسخ آن‌ها به یک سؤال، می‌تواند از تدریس مربی برای تفهیم مطلب به دیگر دوستان‌شان مؤثرتر باشد.



راهکارهای اجرای طرح



برای تحقق طرح «مهر و ایمان» و نهادینه‌سازی محتوای آموزشی و تربیتی کتاب «طنین باورها»، دو راهکار اصلی پیشنهاد می‌شود:

راهکار اول) برگزاری کلاس درسی و تدریس شدن محتوا توسط مربی

راهکار دوم) برگزاری طرح مطالعاتی انفرادی و یا گروهی بر اساس یک سیرِ مشخص

راهکار اول) برگزاری کلاس درسی

برای بهبود اجرای کلاس و تدریس کتاب توسط مربی، توصیه می‌شود که هر جلسه به دو بخش تقسیم شود:

بخش اول: تدریس درس جدید توسط مربی.

این بخش به **فراگیری مطالب جدید** برای دانش‌آموزان کمک می‌کند و توسط توضیحات دقیق و شفاف مربی انجام می‌شود.

بخش دوم: گفتگو و مباحثه در مورد درس قبلی توسط دانش‌آموزان.

این بخش به **تثبیت مطالب قبلی** در ذهن دانش‌آموزان کمک کرده و مهارت‌های سخنرانی و اعتماد به نفس آن‌ها را نیز تقویت می‌کند.

برای نمونه، در یک کلاس ۲۵ نفره، دانش‌آموزان به پنج گروه پنج نفره تقسیم می‌شوند. هر گروه **۳۰ دقیقه** وقت دارد تا **محتوای درس قبلی** را با هم مرور کنند. در این فرآیند، هر دانش‌آموزی به نوبت مسئولیت تدریس بخشی از درس را برای چهار دوستِ دیگرش بر عهده می‌گیرد. چهار نفرِ دیگر نیز با گوش دادنِ فعال، سؤالاتی

برای فهم بهتر مطرح می‌کنند تا میان‌شان پرسش و پاسخ شکل بگیرد. در این زمان، مرتبی به صورت چرخشی بین گروه‌ها حرکت کرده، راهنمایی‌های لازم را ارائه داده و به سؤالات بی‌پاسخ، جواب می‌دهد.

پس از ۳۰ دقیقه مرور و مباحثه و ۱۰ دقیقه استراحت، مرتبی در حدود ۴۰ دقیقه به تدریس درس جدید می‌پردازد. بصورت کلی، این ساختار در تثبیت دانش و تقویت مهارت، بسیار مؤثر است.

توجه شود که همه مطالب یک درس، از «معصومان در آینه قرآن» یا «برگی از زندگانی»، تا پایان درس به شیوه‌های مختلف و خلاق آموزش داده شود. در پایان نیز، «معمای دانش» به عنوان فعالیت مهم در نظر گرفته شده و برای اجرای دقیق آن برنامه‌ریزی صورت بگیرد.

همچنین، نکته‌های ظریفی در روش تدریس و مطالبی فراتر از محتوای کتاب، به همراه پاسخ‌نامه «معمای دانش»، در کتاب حاضر که کتاب «مرتبی» می‌باشد، آمده است.

راهِکار دوم) برگزاری طرح مطالعاتی

راهکار دوم، مطالعه انفرادی و یا گروهی کتاب است که با داشتن یک برنامه منظم، هفته‌ای دو درس از کتاب خوانده می‌شود. در این روش خواندن هر درس حدود ۲۰ دقیقه به طول خواهد انجامید. پیشنهاد می‌شود در هر هفته بیش از دو درس مطالعه نشود و باقی زمان هفته به تمرین و اجرای عملی مطالب آموخته شده پرداخته شود.

اگر برنامه مطالعاتی بصورت گروهی باشد، چه بهتر است که به ازای هر درس، یک جلسه گفتگو و مباحثه هم طراحی شود و با گروه دوستان، موضوعات درس به تبادل نظر، تدریس برای یکدیگر و پرسش و پاسخ بگذرد تا مانند آن‌چه بالاتر گفته شد، به تثبیت دانش و تقویت مهارت کمک شود.

و پایان سخن



هرچند دانش، ارزش بالایی دارد؛ اما دانشی که به بینش و رفتار نینجامد، همچون «عالم بی عمل» و «زنبور بی عسل» خواهد بود. هدف از خوانش کتاب «طنین باورها» این است که باورها در وجودمان طنین انداز شوند، رفتار و سبک زندگی مان تغییر کند و پیرو حقیقی سیره اهل بیت علیهم السلام باشیم. بنابراین، باید در کنار مطالعه و درس گرفتن، **توسل به معصومان علیهم السلام** داشته و ضمناً به **تمرین در انجام دادن** فرمایش های ایشان بپردازیم.

پس چه خوب است که در طول هفته با کمک خواستن از اهل بیت علیهم السلام و تمرین روی محتوای خوانده شده و انجام دادن آن ها، درک خود را از مفاهیم درسی در موقعیتهای واقعی بسنجیم. اجرای این تمرین ها نه تنها **درک عمیق تری** از مطالب را فراهم می کند، بلکه مهارت های حل مسئله و تفکر انتقادی را نیز تقویت می کند. این رویکرد کمک می کند که یادگیری از حفظ کردن صرف فراتر رفته و به **تجربه ای تعاملی و کاربردی** تبدیل شود. پیوستگی و استمرار در تمرین، سبب می شود تا «دانش» به «بینش» تبدیل شود و به مرور زمان، سبک زندگی مان تغییر کند. و یادمان نرود که:

«به عمل کار برآید، به سخن دانی نیست!»

در پایان سخن، خداوند متعال را شاکریم تا توفیق قلم فرسایی پیرامون معارف الهی و حجت های معصومش را روزی مان کرد. امید است که این تلاش اندک، **موجب رضای خداوند و شادمانی امام عصر علیه السلام** شود و به دعای صاحبمان، همه ما از عالمان عامل شویم و مایه افتخار و چشم روشنی اهل بیت علیهم السلام گردیم.

مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت

سفیران

درس ۱

سپیده‌دم معرفت

در این درس می‌آموزیم

۱. «دین» با پیامبر ﷺ برای مردم روشن شده است.
۲. «توحید» مهم‌ترین اصل اعتقادی است.
۳. خداوند متعال، «یکتا» و «بی‌نیاز» است.
۴. نظم آفرینش، نشان از یکتایی خداوند است.
۵. اولین آموزهٔ پیامبر ﷺ، «توحید» است.
۶. از بهترین عبادت‌ها، گفتن «لا اله الا الله» است.

اعتقادات



توحید؛ اقرار قلبی و زبانی به یگانگی خداوند

در قسمت انتهایی این بخش اشاره به نظم و هماهنگی بی نظیر عالم هستی و مخلوقات می شود. برای درک بهتر این موضوع، پیشنهاد می شود با جستجو در اینترنت و سایت های معتبر علمی، اطلاعات خود را بالاتر ببرید تا بتوانید با تسلط کافی، برخی مطالب را در کلاس ارائه کنید.

ضمناً استفاده از کلیپ های تصویری مانند شگفتی های منظومه شمسی و سیارات، یا خلقت و زندگی دسته جمعی زنبورهای عسل، مورچه ها و حتی شگفتی های خلقت شتر؛ علاوه بر جذاب کردن کلاس؛ می تواند به فهم بهتر مطالب و هدف اصلی کتاب کمک کند. اگر امکان پخش کلیپ تصویری را ندارید، اطلاعات خود را در این زمینه ها بالاتر ببرید و در کلاس برای دانش آموزان نقل کنید.

مهارت مربی گری؛ دانش فراتر



وقتی دانسته های شما در رابطه با موضوع تدریس، فراتر از کتاب باشد، قطعاً تدریستان **بهتر و** دارای **اثرگذاری بیشتری** بر روی دانش آموزان خواهد بود.

پاسخ به یک سؤال

پس از توضیح بخش های «برای مثال» و «لحظه ای درنگ»، ممکن است دانش آموزان با سؤالی در ذهن خود روبه رو شوند که نیازمند پاسخ شفاف و روشن گر شما باشد. در چنین شرایطی، ارائه پاسخی دقیق و تأثیرگذار از سوی شما ضروری خواهد بود. سؤال و پاسخ آن به شرح زیر است:

اگر دو پادشاه، ۹۰ درصد با هم هماهنگ باشند، چطور؟

در این شرایط معمولاً امور کشور به خوبی پیش می‌رود و نهایتاً چند مورد هم بی‌نظمی به وجود می‌آید که قابل چشم‌پوشی است.

پس اگر این عالم دو یا چند خدا داشته باشد که ۹۰ درصد با هم هماهنگ باشند، در موارد کمی بی‌نظمی رخ می‌دهد، مانند آتش‌فشان، زلزله، سیل و طوفان که این همان واقعیت جهان است!

و اما پاسخ:

(الف) اختلاف کوچک، پیامدهای بزرگی به همراه دارد:

تصور کنید در یک حکومت، دو پادشاه، هم‌زمان تصمیم‌گیرنده باشند و تنها یک **ناهماهنگی کوچک** بین آن‌ها پیش بیاید. برای مثال، اگر ساعت شروع و پایان کار ادارات را با نیم ساعت اختلاف اعلام کنند. به نظر شما چه اتفاقی می‌افتد؟

درست است، **نظم** ادارات کاملاً **به هم می‌ریزد**. کارمندان و مردم دچار **سردرگمی** و **نارضایتی** می‌شوند و نمی‌دانند که باید در نهایت چه بکنند. یکی زودتر می‌آید و می‌بیند که هنوز کارمندان دیگر نیامده‌اند و حتی در را باز نکرده‌اند و پشت در می‌ماند. فردا دیرتر می‌آید و مورد توبیخ قرار می‌گیرد و...

حال، اگر در جهانی به این **عظمت** و **پیچیدگی** که قوانین آن بسیار دقیق‌تر از یک کشور عمل می‌کند، حتی یک درصد اختلاف یا بی‌نظمی وجود داشته باشد، بدون شک پیامدهای آن به مراتب **بزرگ‌تر** و **غیرقابل جبران‌تر** خواهد بود. این **نظم شگفت‌انگیز**، نشان‌دهنده تدبیر بی‌همتای الهی است که کوچک‌ترین خطا در آن جایی ندارد.

(ب) بی‌نظمی کوچک، پیامدهای بزرگی به همراه دارد:

برای درک این مفهوم، کافی است به ساعت مچی خود فکر کنید. اگر ساعت تنها یک درصد خطا داشته باشد، این خطا در طول یک روز به چند دقیقه اختلاف می‌انجامد. حال، اگر این روند ادامه پیدا کند، طی یک هفته این اختلاف به چند ساعت خواهد رسید و در نهایت، ساعت کاملاً غیرقابل اعتماد می‌شود.

یا فرض کنید در نظم زمان چراغ قرمز و چراغ سبز یک چهارراه، تنها ۵ ثانیه بی‌نظمی پدید آید و زمان‌ها جابه‌جا تنظیم شوند. چه می‌شود؟

در چهارراه‌ها تصادف‌های شدید رخ می‌دهد، زیرا در هر دو طرف خیابان، ماشین‌ها چراغ سبز را می‌بینند و بدون توقف و با سرعت به وسط چهارراه آمده و با یکدیگر برخورد می‌کنند.

در جهان هستی که بر پایه نظم شگفت‌انگیز و دقیق استوار است، حتی کوچک‌ترین بی‌نظمی می‌تواند پیامدهای عظیمی داشته باشد و چه‌بسا موجب فروپاشی ساختارهای حیاتی شود. این نشان می‌دهد که در چنین سیستمی، هماهنگی نسبی کافی نیست و تنها نظم مطلق و دقیق است که می‌تواند تعادل جهان را حفظ کند.

(ج) زلزله و سیل بی‌نظمی نیست، بلکه حکمت خداوند است:

زلزله، سیل، طوفان و آتشفشان، هرچند ممکن است از دیدگاه انسانی باعث آسیب‌ها و ویرانی شوند، اما در مقیاس بزرگ‌تر و از نگاه طبیعت و نظام آفرینش، بخشی از نظم طبیعی جهان هستند. ما وقتی این موارد را بی‌نظمی می‌بینیم که فقط به خودمان می‌نگریم. این پدیده‌ها در چارچوب قوانین فیزیکی و طبیعی جهان رخ می‌دهند و به جای آن‌که بی‌نظمی باشند، نقش‌های مهمی در توازن و پویایی زمین ایفا می‌کنند که برخی از آن موارد را در ادامه توضیح می‌دهیم:

۱. زلزله: حرکت صفحات تکتونیکی زمین که باعث زلزله می‌شود، برای **بازتوزیع انرژی زمین** ضروری است. این فرآیند، در طولانی‌مدت، باعث شکل‌گیری کوه‌ها، دریاها و محیط‌های زیستی جدید می‌شود.

۲. آتشفشان: فوران‌های آتشفشانی، مواد معدنی و عناصر مفید را از اعماق زمین به سطح آن می‌آورند و خاک‌های غنی و حاصل‌خیز ایجاد می‌کنند که **برای رشد گیاهان** ضروری است.

۳. سیل: هرچند ممکن است خسارت‌بار باشد، اما سیلاب‌ها باعث **غنی‌سازی خاک‌های کشاورزی**، **پُرشدن منابع آب زیرزمینی و اصلاح اکوسیستم‌های طبیعی** می‌شوند.

۴. طوفان: طوفان‌ها نقش کلیدی در توزیع گرما و رطوبت در سراسر کره زمین دارند و به **تعادل آب و هوایی** کمک می‌کنند.

د) برخی بلایای طبیعی نتیجه اشتباه‌های ما هستند:

گاهی بی‌توجهی‌ها و اشتباه‌های ما انسان‌ها موجب وقوع بلایایی می‌شود که پیامدهای آن نه تنها گریبان خودمان، بلکه طبیعت را نیز می‌گیرد. برای نمونه، **آلودگی هوا، تخریب لایه اوزون و تغییرات اقلیمی** نتیجه رفتارهای نادرستی چون قطع بی‌رویه درختان، رعایت نکردن استانداردهای صنعتی و مصرف ناپایدار منابع طبیعی هستند.

علاوه بر این، گاه با وجود آگاهی علمی از خطرات زلزله‌خیزی، فعالیت آتش‌فشان‌ها یا قرار داشتن یک منطقه در مسیر سیلاب، باز هم در همان مناطق خانه، مدرسه و سازه‌های دیگر ساخته‌ایم. بدیهی است که در چنین شرایطی، **خودمان** مسئول پیامدهای این تصمیمات هستیم. مگر زمین خداوند کوچک بود که تنها گزینه ساخت‌وساز، همان مناطق **پُرخطر** باشد؟



این قبیل رفتارها نه تنها ناشی از نادانی، بلکه نشانه بی‌توجهی به امانتی است که خداوند در اختیار ما قرار داده است.

ه) تأمل در این پدیده‌ها ما را به تفکر وادار می‌کند:

در نظام الهی، این جلوه‌ها نه تنها بخشی از **طراحی بی‌نقص خداوند** و **نشانه‌های قدرت بی‌پایان او** هستند، بلکه فرصتی ارزشمند برای بازنگری در رفتارها، درک عظمت آفریدگار و پذیرش کوچکی انسان در برابر شکوه آفرینش به شمار می‌روند.

به بیانی دیگر، با نگاهی به آتشفشان، می‌توانیم عظمت قدرت الهی را درک کنیم، به محدودیت‌های خود پی ببریم و از غفلت‌رهایی یافته، به ایمان عمیق‌تری دست یابیم.

مربی‌ان عزیز؛ یکی از قسمت‌های مهم درس که هدف مهمی را دنبال می‌کند، همین جاست!

تمرکز کامل و لازم را برای ارائه آن به کار بگیرید و از هرگونه عجله و شتاب بپرهیزید. هدف از مطرح کردن بخش «**معمای دانش**» این است که دانش‌آموزان به چالش کشیده شوند و تلاش شود تا «دانش» به «**بینش و عمل**» منتهی شود. این کار، می‌تواند مطالب درس و کلاس را در وجود ایشان «**نیادینه**» کند.

بنابراین، «**معمای دانش**» نباید به یک بخش بی‌مصرف و در وقت اضافی تبدیل شود. پس برای پاسخ به سؤالات، اجازه دهید تا سر فرصت هر کدام از دانش‌آموزان فکر کنند و با توجه به آنچه از درس آموخته‌اند، پاسخی که در ذهنشان شکل گرفته را بیان کنند.

معقای دانش؟

۱ تصاویر زیر با کدامیک از مباحث مطرح شده ارتباط دارد؟

به ضرب المثل «دو پادشاه در یک اقلیم نلجند!» اشاره می‌کند. این ضرب المثل، «یلتانی خداوند» را به ما یادآور می‌شود. به عبارت دیگر، همانگونه که یک مملکت و قهرو، برای اینکه دچار هرج و مرج نشود، یک پادشاه یا حاکم دارد، این عالم هم یک خدا و خالق دارد.



این تصویر، بخش بسیار کوچکی از نظم و ترتیب بی‌نظیری که در خلقت وجود دارد را به ما نشان می‌دهد. نظم و ترتیبی که ما را به وجود «خالق یلتا» راهنمایی می‌کند.



این تصویر، عظمت خلقت را به ما نشان می‌دهد؛ عظمتی که در عین بزرگی، دارای یک نظم و هماهنگی فوق‌العاده‌ای است که باز هم ما را به وجود «خالق یکتا» راهنمایی می‌کند.

شکستن بُت‌ها توسط حضرت ابراهیم علیه السلام را نشان می‌دهد. هدف ایشان، بیدار کردن عقل و وجدان مشرکان بود تا با چشمان خود ناتوانی بُت‌ها را مشاهده کنند و به بندگی خداوند یکتا روی آورند.



۲ با توجه به آنچه در این درس آموختید، به نظر شما پایان مسأله زیر چگونه خواهد شد؟

لطفاً آن را یادداشت کرده و دلیل خود را بنویسید.

در مدرسه‌ای به نام "پرتو اندیشه"، دو مدیر به نام‌های آقای سالاری و آقای دوستی با یکدیگر و بصورت هم‌زمان مدرسه را اداره می‌کردند. روش مدیریت آقای سالاری با تأکید بر رعایت نظم و اجرای دقیق و خشک قوانین مدرسه بود. در مقابل، آقای دوستی با دیدگاه متفاوتی به مدیریت مدرسه می‌نگریست. برای او بیشتر از قوانین، آزادی دانش‌آموزان و ایجاد ارتباط‌های دوستانه مهم بود و گمان می‌کرد که با این روش سطح یادگیری و رشد شخصیتی دانش‌آموزان بیشتر اتفاق می‌افتد.

قطعاً در این مدرسه هرج و مرج و بی‌نظمی فراوانی به وجود می‌آید و باعث سردرگمی دانش‌آموزان می‌شود؛ چراکه حضور دو مدیر، آن هم با نظرات کاملاً متفاوت با یکدیگر، قوانین متضاد ایجاد می‌کند. چنین مدرسه‌ای بعد از مدتی منحل و تعطیل می‌شود، مگر اینکه فقط با یک مدیر اداره شود. نتیجه: وقتی کار یک مدرسه کوچک فقط با یک مدیر پیش می‌رود، قطعاً خلقتی با این عظمت و نظم نیز باید یک خالق داشته باشد.



درس ۲

دلدادگی

در این درس می‌آموزیم

۱. وجود «معجزات» در هنگام ولادت پیامبر ﷺ.
۲. نشانه «قدرت خداوند متعال» است.
۳. قلب مؤمن سرشار از «محبت خداوند» است.
۴. خوشبختی واقعی در «دوستی با خداوند» است.
۵. هرکسی در قیامت، همنشین با محبوبش است.
۵. «مناجات و انس با خداوند»، «یاد کردن او»
«به زیان آوردن نعمت‌های الهی»، «دوستی با دوستان
خداوند» از نشانه‌های دوست داشتن پروردگار است.

برای مثال / لحظه‌ای درنگ

پیش از بیان «برای مثال» در این درس، توجه به نکته‌ای مهم خالی از لطف نیست. یک مربی موفق، بزنگاه‌های اصلی درس را به خوبی می‌شناسد و در آن نقاط به دانش‌آموزانش تلنگر می‌زند. این تلنگرها، باید آن قدر دقیق و عمیق باشد تا عزیزانمان عملکرد خودشان را واکاوی کنند و پس از آن به دنبال تغییر و اصلاح باشند.

بنابراین به هنگام بیان مثال، چند شخصیت مشهور و ثروتمند مثل بازیکنان فوتبال یا بازیگران را نام ببرید و از دانش‌آموزان سؤال کنید که اگر این افراد به شهر یا روستای ما بیایند، مردم در استقبال آن‌ها چه می‌کنند؟ پس از شنیدن پاسخ‌هایشان، بخش «لحظه‌ای درنگ» را با آرامش و تأکید لازم بیان کنید تا درنگ کردن واقعاً رخ دهد و دانش‌آموزان مطلب را تصدیق کنند.

داستانک روایی

نکته بسیار مهمی در داستانک روایی این درس نهفته است که به هیچ عنوان نباید به یک روخوانی صرف اکتفا کرد. از این رو باید ابتدا خودمان کاملاً مسلط بر این داستانک باشیم، سپس یک بار آن را با بیانی شیوا تعریف کنیم، بعد از دانش‌آموزان بخواهیم تا فهم خود را نسبت به روایت بیان کنند.

مهارت مربی‌گری؛ تأمل آموزشی

دقت داشته باشیم که صرفاً نباید دنبال افزایش دانش باشیم، باید سعی در تغییر رفتار و سبک زندگی داشته باشیم. برای این هدف، یکی از راهکارها **به تأمل و داشتن** دانش‌آموزان است. برای این کار نیز از سرعت در خواندن مطالب و به پایان رساندن درس باید اجتناب کنیم. باید اجازه دهیم دانش‌آموزان روی آن فکر و حس درونی و برداشت خود را بیان کنند و کمکشان کنیم تا به جمع‌بندی مناسب برسند.

جمع بندی این روایت باید بصورت زیر انجام شود:

در آخرت، هر نفر همراه با کسی است که در این دنیا دوستش داشته،
قلبش به او اختصاص داشته و شبانه روز در فکر و ذهنش با او زندگی
کرده است. به نظر می‌رسد وقت آن شده تا نگاهی به دلمان بیندازیم و
ببینیم قلبمان برای چه کسانی می‌تپد.

معقّای؟ دانش؟

۱ در این درس روشن شد که هر کسی در آخرت با چه کسانی همراه خواهد بود. با
توجّه به این مطلب، پنج ویژگی بارز از اولین همنشینان خود را در قیامت یادداشت
کنید. حدس می‌زنید که حال و روز آن‌ها در قیامت چگونه است؟ بعد از حدس‌تان، در مقابلش علامت
بزنید که دوست دارید در قیامت با او باشید یا خیر؟ اگر جوابتان منفی است، باید در دوستی خود با
او تجدید نظر کنید.

این سؤال، به گونه‌ای طراحی شده که هر یک از دانش‌آموزان، باید پاسخ مربوط به خودشان را
بیان کنند. بنابراین، یک پاسخ مشخص و همگانی ندارد.
فرصت لازم را در اختیار دانش‌آموزان بگذارید تا آن‌چه از تدریس شما آموخته‌اند را در پاسخ به
این سؤال به کار گیرند.

گاهی دانش‌آموزان به دلیل نامفهوم بودن سؤالات در ذهن‌شان، نمی‌توانند پاسخ صحیح و دقیق بدهند. بنابراین، توصیه می‌شود در این سؤال و دیگر سؤالات کمک کنید تا ایشان هدف اصلی سؤال را متوجه شوند و سپس برای پاسخ دست به قلم شوند.

نکته بسیار مهم:

شروع فهمیدن و تغییر از زمانی آغاز می‌شود که دانش‌آموز واقعاً دست به قلم می‌شود، فکر می‌کند و می‌نویسد. تلاش کنید تا این لحظات را در کلاس درس فراهم کنید.

۲ پنج نمونه از کارهایی که نشان دهنده علاقه ما به خداوند است را بیان کنید. مانند اینکه خداوند را در طول روز یاد کنیم، نعمت‌هایی که به ما داده را به خود یادآوری کرده و از او تشکر کنیم.

توجه داشته باشید که لزوماً نباید همه پاسخ‌ها مانند هم باشد. پس نیازی نیست که عبارات زیر را به دانش‌آموزان دیکته کنیم. بلکه اجازه دهید که فکرشان راه افتد. حتی ممکن است برخی از ایشان مطالبی بهتر از آن‌چه در زیر آمده را نگاشته باشند. فرصت بگذارید تا هر کس نوشته خود را بخواند.

۱. اطاعت از خداوند و تسلیم بودن در برابر امر و نهی او.

۲. مناجات با خداوند و راز و نیاز کردن با او.

۳. دوست داشتن دوستان خداوند متعال.

۴. دشمنی با دشمنان خداوند متعال.

۵. قرائت قرآن کریم که کلام و سخن خداوند با ما است.

۶. توکل به خداوند و راضی بودن به آن چه او برایمان خواسته است.

۷. دوست داشتن نماز و به موقع خواندن آن.



درس ۳

گامی به سوی پاکی

در این درس می‌آموزیم

۱. در قیامت قبل از حسابرسی، از «محبت اهل بیت (علیهم‌السلام)» سؤال می‌شود.
۲. لازمهٔ بندگی، «حیا از خداوند و دوری از گناهان» است.
۳. حیا از خداوند در تصمیم‌ها و اعمال ما «اثرگذار» است.
۴. خداوند، «شاهد و ناظر» اعمال و رفتار ما است.
۵. در مقابل خداوند، «گناه کوچک و بزرگ» معنا ندارد.



خدا محوری؛ حیا از خدا و دوری از گناهان

نکته‌ای که همواره باید به یاد داشته باشیم این است که «**تربیت دینی**» دانش‌آموزان تنها زمانی به ثمر می‌نشیند که آن‌ها به بندگی و اطاعت از خداوند بپردازند. به بیانی دیگر، زمانی که شاگردان شما **ادب و حیا در برابر خداوند** را رعایت کنند، آموزش‌های شما موفقیت‌آمیز بوده‌است. کسی که خداوند متعال را همیشه ناظر بر اعمالش می‌بیند و سعی می‌کند تا در برابر گناه نلغزد، تربیت شده‌است. بنابراین، از اهمیت بالای این درس غافل نشوید؛ زیرا یکی از مهم‌ترین اهداف «طرح مهر و ایمان»، در این درس دنبال می‌شود.

لحظه‌ای درنگ

بخش «لحظه‌ای درنگ» در این درس، می‌تواند تذکر بزرگی برای دانش‌آموزان باشد. برای اثرگذاری بهتر و بیشتر، می‌توانید از حدیث شریف زیر استفاده کنید:

امام صادق علیه السلام فرمودند:

خَفِيَ اللَّهُ كَأَنَّكَ تَرَاهُ وَإِنْ كُنْتَ لَا تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ فَإِنْ كُنْتَ تَرَى أَنَّهُ لَا يَرَاكَ
فَقَدْ كَفَرْتَ وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ يَرَاكَ ثُمَّ بَرَزْتَ لَهُ بِالْمَعْصِيَةِ فَقَدْ جَعَلْتَهُ
مِنْ أَهْوَنِ النَّاظِرِينَ عَلَيْكَ.

از خداوند به گونه‌ای بترس [**حیا کن**] که او را می‌بینی و اگر تو نمی‌توانی او را ببینی، بدان که او تو را **می‌بیند**. اگر فکر می‌کنی که او تو را نمی‌بیند، پس کُفر ورزیده‌ای. و اگر می‌دانی که او تو را می‌بیند و باز هم در حال **گناه**، خود را به او نشان می‌دهی؛ پس او را از **پست‌ترین** بینندگان خود قرار داده‌ای.

کافی، ج ۲، ص ۶۸

آری؛ وقتی از یک انسان عاّدی در پشت یک دوربین مداربسته حیا می‌کنیم، امّا از خداوند بزرگ که در همه حال و همه جا ناظر ماست، حیا نمی‌کنیم؛ او را از پست‌ترین و بی‌ارزش‌ترین بینندگان قرار داده‌ایم که این مطلب نهیب بزرگی به ماست.

مهارت مربّی‌گری؛ تأمل آموزشی



یکی از هنرهای مربّی‌هوشیار، در معرض گناه قرار ندادن دانش‌آموزانش است. همواره سعی کنید از رفتن به اردوها و مکان‌هایی که ممکن است عزیزانتان در معرض آلوده شدن به گناه قرار بگیرند، بپرهیزید. در ضمن به خاطر داشته‌باشید که مربّی‌هوشمند با آگاهی از مشکلات دوران بلوغ می‌تواند راه گناه نکردن دانش‌آموزان را هموار می‌سازد.

معقّای دانش؟

۱ با مراجعه کردن به دفتر خاطرات ذهنتان، اگر موقعیتی بوده که در جمع دوستانتان، خدایی ناکرده خواستید که دوست خود را مسخره کنید یا غیبت کسی را انجام دهید یا...؛ ولی به ناگاه یاد این افتاده‌اید که «خداوند مرا می‌بیند!» پس از خدا «حیا» کرده و تغییر رفتار داده‌اید، آن خاطره شیرین را یادداشت کنید. اگر هم خدایی ناکرده، تغییر رفتار نداده‌اید؛ این بار آن اتفاق ناشایست را در زیر بصورتی بازنویسی کنید که در لحظه ارتکاب آن عمل، به یادتان افتاده که خداوند شما را می‌بیند و با حیا کردن از او، تغییر رفتار داده‌اید.

این سؤال، به گونه‌ای طرّاحی شده‌است که هریک از دانش‌آموزان، باید پاسخ مربوط به خودشان را بیان کنند. بنابراین، یک پاسخ مشخص و همگانی ندارد. فرصت لازم را در اختیار آن‌ها بگذارید تا خاطره خود را در پاسخ به این سؤال بنویسند.



ما به عنوان نمونه، یک پاسخ بیان می‌کنیم، اما اجازه دهید دانش‌آموزان پاسخ‌های خود را بنویسند.

پاسخ نمونه

یکی از خاطراتی که همیشه در ذهنم مانده، مربوط به یک دورهمی دوستانه است. ناخودآگاه، قصد داشتم نلته‌ای را بیان کنم که ممکن بود به غیبت یکی از دوستانم منجر شود. دقیقاً در آن لحظه، نلجان به یاد خداوند افتادم که چگونه هر کلام و رفتارم را می‌بیند. در همان لحظه تصمیم گرفتم که موضوع دیگری را مطرح کنم که فضای دوستانه‌تری ایجاد کند. این تجربه برایم یادآوری بود که حیای خداوند و پرهیز از گناه، می‌تواند در هر لحظه‌ای از زندگی ما را هدایت کند و مانع از ارتکاب اشتباه شود.

۲ فرض کنید با دوستان و یا خانواده خود، به باغ شخص بسیار مهمی دعوت شده‌اید. به این مهمانی می‌روید و پس از ناهار، ناگهان برای آن شخص مهم کاری اتفاق می‌افتد و و مجبور می‌شود که برود. او رو به شما و دوستان یا خانواده‌تان کرده و می‌گوید: کاری برای من پیش آمده است و مجبورم خود را به جای دیگری برسانم. ولی از شما خواهش می‌کنم که راحت باشید و تعارف نکنید. شما تا غروب می‌توانید در باغ بمانید و از میوه درختان و امکانات رفاهی این‌جا استفاده کنید. من هم تا عصر باز می‌گردم و شام مجدد با هم هستیم. خیالتان راحت باشد، از روی گوشی خود دوربین‌های باغ را بررسی می‌کنم و هر کم و کسری که بود را به کارمندانم گزارش می‌کنم تا برایتان فراهم کنند.

(الف) با توجه به اینکه احتمال می‌دهید این شخص هر لحظه حرکات شما را می‌تواند ببیند:

۱. در استفاده از امکانات باغ چه مراعاتی می‌کنید؟

با آگاهی که ممکن است هر لحظه توسط دوربین‌ها زیر نظر باشیم، سعی می‌کنم به گونه‌ای رفتار کنم که گونه‌ی میزبان در کنار من است. از امکانات به شکل محترمانه و صحیح استفاده می‌کنم تا هیچ‌گونه آسیب یا بی‌نظمی ایجاد نشود. به خوبی مراقب هستم تا هر چیزی را در جای خود قرار دهم و نظم محیط را حفظ کنم.

۲. در استفاده از میوه‌های درختان چگونه برخورد می‌کنید؟

می‌دانم که میوه‌ها از روی لطف میزبان در اختیار من قرار گرفته‌اند. بنابراین، از چیدن بیش از حد میوه‌ها یا و آسیب رساندن به درختان خودداری می‌کنم.

۳. در بازی و شوخی و گفتگوی با دوستان یا خانواده خود چه مراقبت‌هایی را دارید؟

از آنجا که ممکن است رفتارهایم از راه دور مشاهده شود، مراقبم تا گفتگوها و رفتارهایم مودبانه و مطابق با ادب و احترام باشد. شوخی‌های ناپسند و رفتارهای زشت را کنار می‌گذارم.

ب) ارتباط این مثال را با موضوع درس و اینکه «خداوند ما را می‌بیند و باید از او حیا کنیم» را بنویسید.

این مثال به ما یادآوری می‌کند همانطور که در باغ، دانستن اینکه میزبان ممکن است ما را ببیند، رفتارمان را تغییر می‌دهد، در زندگی نیز باید همیشه به یاد داشته باشیم که خداوند ما را می‌بیند. این آگاهی، باید ما را به افرادی تبدیل کند که از خدا حیا کرده و از کارهای ناپسند دوری می‌کنند.



درس ۴

اعتماد

در این درس می‌آموزیم

۱. پیامبر ﷺ اگرچه در ۴۰ سالگی به «مقام رسالت» برانگیخته شدند؛ ولی از همان ابتدای ولادت، پیامبر خدا بودند.
۲. در بعثت پیامبر ﷺ، سخن از «جانشینی امیرالمؤمنین (علیه السلام)» بود.
۳. معنای «توکل»، دل سپردن به خداوند و اعتماد کامل به اوست.
۴. عبور از مسیرهای سخت زندگی، با «توکل به خداوند» هموار می‌شود.
۵. «عاقلانه عمل کردن»، لازمهٔ توکل و اعتماد به خداوند است.

سبک زندگی

خدا محور؛ توکل

توجه داشته باشیم که ایمان و توکل دو رکن اساسی در زندگی یک مؤمن هستند که همواره با یکدیگر همراهند.

بر این مطلب باید تکیه داشت که با افزایش ایمان در دل، توکل و اعتماد به خدا نیز افزایش می‌یابد.

آموزش و تدریس باید به گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان بتوانند مفاهیمی مانند توکل را به خوبی و با تمام وجود درک و وجدان کنند.

در تدریس توکل، استفاده از مثال‌های زنده و ملموس می‌تواند ما را به این هدف مهم نزدیک کند.

مهارت مربی‌گری؛ تدریس مثال محور

یکی از روش‌های مؤثر در انتقال مفاهیم، تدریس **مثال محور** است. این روش، به فهم بهتر باورهای برگرفته از متون **قرآن و احادیث** کمک بسیار زیادی می‌کند.

برای مثال

علاوه بر مثالی که در کتاب بیان شده، از مثال صفحه بعد نیز می‌توان استفاده کرد.

برای مثال!



تصور کنید که پدری بسیار ثروتمند و راستگو دارید که همیشه به وعده‌های خود عمل کرده است. او پدری بی‌نقص و مهربان است که در همه حال، به نفع شما عمل کرده، حتی وقتی که به خواسته‌های شما پاسخ منفی داده است.

این پدر به شما می‌گوید: عزیزم؛ روی تحصیلات تمرکز کن تا در آینده موفق شوی. من همه هزینه‌ها و مخارج زندگی‌ات را تأمین می‌کنم!

آیا به چنین پدر مهربان، دلسوز، راستگو و ثروتمند اعتماد نمی‌کنید؟! قطعاً به او اعتماد خواهید کرد و بدون نگرانی به تحصیلتان ادامه خواهید داد.

حال، چرا ما در زندگی‌مان دل به خداوند مهربانی که همه هستی در دستان او است، نمی‌سپاریم؟! چرا وقتی به ما وعده‌ای را در قبال انجام کاری داده است، به او اعتماد نمی‌کنیم؟! علت این موضوع می‌تواند نبود شناخت کافی و عمیق از خداوند باشد. اگر واقعاً باور داشته باشیم که خدا نسبت به ما دلسوزتر از هر کس است، بهترین‌ها را برای ما می‌خواهد و همیشه به وعده‌های خود عمل می‌کند، آنگاه به راحتی همه امورمان را به دست او سپرده و با آرامش خاطر به تلاش‌های عاقلانه خود ادامه می‌دهیم.



فقط به همین مثال اکتفا نکنید. اگر کمی در همین رابطه فکر کنید، قطعاً مثال‌های مشابهی که امر توکل و اعتماد به خداوند را برای شما و عزیزانتان ملموس و وجدانی کند، به ذهنتان می‌رسد. این کار، تسلط و دانایی شما را بر روی مباحث افزایش می‌دهد که نتیجه آن تدریسی بهتر و اثرگذار خواهد بود.

معقّای دانش؟

۱ | مریم امسال امتحان نهایی دارد. او در کلاس‌ها، به درس‌های معلّم خوب گوش نکرده و تکالیفش را درست انجام نداده است. هفته آینده، آزمون‌هایش شروع می‌شود و وقتی برای مطالعه و آمادگی آزمون هم نداشته است. وقتی مادرش به او می‌گوید: «دخترم؛ امتحانت را چه خواهی کرد؟»، می‌گوید: «من به خدا توکل کرده و امتحانم را خوب می‌دهم.»

به نظر شما آیا کار مریم درست است؟ چرا؟

الف) بله؛ زیرا مریم به خداوند توکل کرده و نتیجه را به او سپرده است.
 ب) خیر؛ زیرا در برخی موارد نیاز به توکل نیست و بدون توکل هم موفقیت به وجود می‌آید.
 ج) خیر؛ توکل کردن به معنای انجام ندادن وظایف نیست. مریم باید تلاشش را می‌کرد و با توکل به خداوند، نتیجه را به او می‌سپرد.

۲ کدام گزینه برای جای خالی مناسب است؟

..... را در گرفتاری‌هایش رها نمی‌کند.

الف) اگر کسی هنگام تنگدستی، به انسانی ثروتمند امید داشته باشد.

ب) خداوند وعده داده که هر کس به او توکل کند.



درس ۵

مسیر ابدیت

در این درس می‌آموزیم

۱. امیرالمؤمنین علی علیه السلام و شیعیانشان، «رستگاران روز قیامت» هستند.
۲. یکی از مهم‌ترین باورهای مؤمنان، اعتقاد به «معاد و روز قیامت» است.
۳. «باورداشتن معاد»، تأثیر فراوانی بر اعمال ما دارد.
۴. «آمادگی برای قیامت»، یکی از فرمان‌های عقل است.
۵. در قیامت، انسان «تمام اعمالش» را می‌بیند.

اعتقادات



معاد؛ قیامت و ویژگی‌های آن

مهارت مربی‌گری؛ تدریس مثال محور



تدریس شما باید کاملاً عقل محور و وجدان‌پذیر باشد؛ یعنی نکات اصلی درس را همراه با استدلال‌های منطقی ارائه کنید. رعایت این نکته، باور و یقین دانش‌آموزان را نسبت به مسائل دینی افزایش می‌دهد.

برای مثال

استدلال‌های مختلفی برای اثبات وجود دنیای پس از مرگ و قیامت وجود دارد. این استدلال‌ها به ما نشان می‌دهند که آماده شدن برای قیامت و انجام اعمال نیک در دنیا، امری کاملاً عقلایی و منطقی است.

فرا گرفتن این استدلال‌ها دو فایده بزرگ دارد:

۱. افزایش باور و اعتقاد به قیامت در قلب.

۲. دچار شبهه و لغزش نشدن در مواجهه

با فردی که قیامت را منکر است.

استدلالی که در قالب «برای مثال» بیان شده، برگرفته از روایات اهل بیت علیهم‌السلام است. در ادامه آن می‌توان از داستانک صفحه بعد که علاوه بر مطلب کتاب است، استفاده کرد.

امام صادق علیه السلام در کتابی نوشته بودند. دو نفر به نام‌های «ابن مَعْقَر» و «ابن ابی العرو» که نزدیک بودند، یعنی مثل خدا و قیامت بودند، در آنجا حضور داشتند. آن‌ها مسلمانان و باورشان به خدا و قیامت را سخنی از نزد در همین بین، ابن ابی العرو تصمیم گرفت در رابطه با همین موضوعات، با امام صادق علیه السلام مناظره کند. او نزد امام صادق علیه السلام رفت و پس از مناظره و گفتگو با آن حضرت، پس رقیقش، ابن مَعْقَر بازگشت. ابن ابی العرو، بخشی از مناظره و گفتگویش با حضرت را اینگونه نقل می‌کند:

نزد او نشستیم؛ هنگامی که دبران رفتند و فقط من ماندم، به من فرمود:

اگر حقیقت آن باشد که این‌ها [مسلمانان] طواف کنند [می‌گویند که البته واقعیت هم همین است، در نهایت این‌ها رسکارند [و بجهستی] و شما در حال تنید [و جهتی] و اگر حق با شما باشد که چنین نیست؛ آن‌گاه (در نهایت) او [شما با آن‌ها] برابر هستید. بنابراین در هر دو صورت، مسلمانان زیان نکرده‌اند. من به او [امام صادق علیه السلام] گفتم: مگر ما چه می‌گوییم و آن‌ها [مسلمانان] چه می‌گویند؟

حضرت فرمودند:

آن‌ها به فدای یکتا، معاد و پاداش و کفر و قیامت اعتقاد دارند، ولی شما هیچ‌یک از این امور را باور ندارید.

این استدلال امام صادق علیه السلام بیانگر آن است که حتی وقتی احتمال وجود یک خطر را می‌دهیم، فرمان عقل این است که کاری کنیم تا آن خطر احتمالی از ما دور شود.

معقّای؟ دانش؟

فرض کنید رفته‌اید به ۲۰ سال آینده و نگاهی به زندگی‌تان در طول این ۲۰ سال می‌اندازید. کارهایی که در نوجوانی انجام داده‌اید و نتایجش را کامل مقابل چشمان خود می‌بینید. برخی از کارها خوب است و اثرات خوبی در رشد شخصیت و بزرگواری شما داشته و شما را به خداوند نزدیک‌تر کرده است. در عوض برخی هم سبب شده تا شما از پیشرفت و رسیدن به یک شخصیت برجسته، با اخلاق، دوست‌داشتنی و سالم باز بمانید و در نهایت از خداوند دور شوید.

از آن جایی که خودتان را خیلی دوست دارید، دلتان می‌خواهد که برگردید و کارهای درست را بیشتر انجام دهید و کارهای نادرست را انجام ندهید. به شما فرصتی داده می‌شود تا از ۲۰ سال بعد، برای خود نامه‌ای بنویسید و خودتان را نصیحت کنید که در نوجوانی حواس‌تان را بیشتر جمع کنید.

لطفاً این نامه را در چند خط نوشته و با تعیین مواردی برای عمل کردن به آن‌ها، به خودتان کمک کنید تا به زندگی‌ای خدایی‌تر و زیباتری دست یابید.

این سؤال، به گونه‌ای طراحی شده که هر یک از دانش‌آموزان، باید پاسخ مربوط به خودشان را بیان کنند. بنابراین، یک پاسخ مشخص و همگانی وجود نخواهد داشت. ما به عنوان نمونه، یک پاسخ بیان می‌کنیم، اما اجازه دهید دانش‌آموزان پاسخ‌های خود را بنویسند.

پاسخ نمونه

عزیز گذشته من! دو توصیه مهم برای تو دارم تا هیچ وقت پشیمان نشوی.

۱. در انتخاب دوستان دقت کن؛ چون دوست بد آینده و قیامت تو را نابود می کند. بنابراین، با دوستانی با تقوا و با ایمان رفاقت کن.

۲. هیچ وقت اهل بیت را فراموش نکن. در تک تک لحظات به ایشان متوسل باش.

مرتب‌ان عزیز؛ نقش شما در پاسخ دانش‌آموزان به این سؤال، بسیار کلیدی و مهم است. فضای پاسخ‌های دانش‌آموزان را باید به گونه‌ای هدایت کنید که کاملاً در فضای مثبت پیش برود. مهم است که دانش‌آموزان جلوی شما و دوستانشان اقرار به گناه نکنند. باید فضا را به سمت و سویی پیش برد که درباره رشد و بهبود خود صحبت کنند. برای رسیدن به این هدف، قبل از اینکه دانش‌آموزان پاسخ‌های خود را بنویسند، می‌توانید چنین بیان کنید:

بچه‌های گل؛ فرض کنید الآن به بیست سال آینده خود رفته‌اید! دوباره به شما فرصت داده‌اند که به نوجوانی برگردید. حال که خداوند متعال به شما فرصت دوباره داده است، چه کارهای خوبی را که در گذشته از آن غافل بوده‌اید، انجام می‌دهید؟



درس ۶

دوراهی

در این درس می‌آموزیم

۱. در اولین روز از دعوت علنی، امیرالمؤمنین (علیه السلام) به عنوان «جانشین پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)» معرفی شدند.
۲. ترجیح دنیا به آخرت، کاری «غیر عقلانی» است.
۳. «انتخاب درست» در دوراهی عقل و نادانی، یکی از آزمون‌هاست.
۴. از «بدترین مردم» کسی است که آخرتش را به دنیا می‌فروشد.



سبک زندگی



آخرت محوری؛ ترجیح ندادن دنیا به آخرت



مهارت مربّی‌گری؛ تدریس بدون پراکندگی



از مهم‌ترین مطالب برای تدریس، **تمرکز و تأکید** روی نکته اصلی درس است. بنابراین، هرچه مطالب پراکنده در کلاس کمتر باشد، دانش‌آموزان درک بهتری از موضوع اصلی درس خواهند داشت.

برای مثال



نکته اساسی درس این است که **انسان عاقل، به هیچ عنوان لذت و خوشی‌های زودگذر را به نعمت‌ها و خوشبختی‌های پایدار و طولانی ترجیح نمی‌دهد.** به همین جهت، ترجیح دنیا بر آخرت امری ناپسند و غیرعقلانی است.

در بخش «برای مثال» نمونه‌ای که ممکن است در زندگی خود با آن مواجه شویم، مطرح شده است. برای اینکه **تمرکز و تأکید** تدریس روی نکته اصلی درس باشد، پیشنهاد می‌شود نمونه‌ها و مثال‌های مختلفی را در این زمینه بیان کنید که ما در این جا به دو مورد از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

این مثال‌ها را در کلاس بازگویی کرده و از دانش‌آموزان بپرسید در چنین موقعیت‌هایی چه عملکردی دارند؟ مثل همیشه بیان یک مثال، در روشن کردن این موضوع بسیار مؤثر است.

مثال ۱



یک موقعیت شغلی بسیار خوب برایتان فراهم شده که درآمد بسیار بالایی دارد. دقیقاً در روز اول کاری شما، برخی از دوستانتان قرار است خرمی گذارند و شما را هم دعوت می‌کنند. انتخاب شما چیست؟ آیا قید شغل خوبی که برایتان پیدا شده را می‌زنید و برای تفریح چند ساعته استخر می‌روید؟!

مثال ۲

فرض کنید یک ورزشکار حرفه‌ای هستید و فردا صبح زود، مسابقه مهمی دارید که پیروزی شما مساوی با جوایز ارزنده‌ای است. در عین حال، دوست دارید در آن ساعت صبح بخوابید.



آیا شرکت در مسابقه را رها می‌کنید و در آن ساعت می‌خوابید؟!



اگر کمی فکر و بررسی کنید، می‌توانید مثال‌های فراوان دیگری را در این زمینه پیدا کنید.

همچنین از عزیزانتان بخواهید تا در این زمینه مثال‌هایی که به ذهنشان می‌رسد را در کلاس بیان کنند.

معقای دانش؟

به سوالات زیر پاسخ دهید.

۱ به نظر شما چرا پیامبر ﷺ کسی که دنیا را به آخرت ترجیح دهد، دیوانه واقعی نامیدند؟

زیرا این انتخاب نشان می‌دهد که آن فرد به لذت‌های زودگذر اهمیت می‌دهد و خوشی‌ها و نعمت‌هایی که همیشه برایش باقی می‌ماند را رها کرده است.

۲ دو مورد از مواردی که گاهی در زندگی روزانه‌مان انجام می‌دهیم و گویی دنیا را بر آخرت ترجیح داده‌ایم، بنویسید.

۱. وقت خود را صرف سرگرمی‌های بیهوده می‌کنیم تا فعالیت‌های معنوی مانند قرائت قرآن.

۲. بعضی وقت‌ها ممکن است خدایی ناکرده برای لحظه‌ای خندیدن، دوست مؤمن خود را مسخره کنیم که کاری ناپسند است.

۳ اگر تصمیم بگیرید یک روز در هفته را به عنوان "روز غیر دنیایی" انتخاب کنید و در این روز تمرکز اصلی‌تان بر اعمال و افکاری باشد که برای آخرت مفید است، کدام روز را انتخاب می‌کنید و چه کارهایی را انجام می‌دهید. پنج مورد را یادداشت کنید.

این سؤال، به گونه‌ای طراحی شده است که هر یک از دانش‌آموزان، باید پاسخ مربوط به خودشان را بیان کنند. بنابراین، یک پاسخ مشخص و همگانی ندارد.

ما به عنوان نمونه، یک پاسخ بیان می‌کنیم، اما اجازه دهید دانش‌آموزان پاسخ‌های خود را بنویسند.

روز: جمعه

۱. خواندن زیارت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در روز جمعه.

۲. نماز اول وقت.

۳. کمک به مادر در انجام کارهای منزل.

۴. خواندن دعای فرج در قنوت نمازها.

۵. صدقه دادن و کمک به نیازمندان برای سلامتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.



درس ۷

زمزمهٔ مهربانی

در این درس می‌آموزیم

۱. «تواضع و فروتنی» از ویژگی‌های مؤمنان و «تکبر» از ویژگی‌های دشمنان خداست.
۲. متواضع، خودش را از دیگران جدا و متمایز نمی‌کند.
۳. «رفتار مهربانانه و دوستانه با دیگران» و «صبور بودن در برابر اشتباه دیگران» از نشانه‌های تواضع است.
۴. «تحویل نگرفتن دیگران» و «کار گروهی نکردن» از نشانه‌های تکبر و خودبزرگ بینی است.
۵. معصومان علیهم‌السلام، در قلهٔ برتری و در اوج تواضع بودند.
۶. هر که هر چه دارد، از خدا دارد.



سبک زندگی



اخلاق محوری؛ متواضع بودن و دوری از تکبر



مهارت مربی‌گری؛ آینه بودن



سخن اصلی این درس اهمیت **تواضع** و دوری از تکبر است. فراموش نکنید یک مربی متواضع است که می‌تواند دانش‌آموزانی که اهل تواضع باشند را تربیت کند. به عبارت دیگر، چگونه یک مربی که خودش گرفتار کبر است، می‌تواند دانش‌آموزانی متواضع داشته باشد؟! یادمان نرود که فرزندان و دانش‌آموزان ما همانی می‌شوند که ما هستیم، نه لزوماً آن‌چه که می‌گوییم. آنان مانند **آینه‌ای** هستند که تصویر ما در ایشان نقش می‌بندد. با نشانه‌های انسان متواضع و متکبر که در این درس بیان شده‌است، قلب خود را بسنجیم و اگر گرفتار خودبزرگ‌بینی هستیم، در تلاش باشیم تا این روحیهٔ ناپسند را از خود دور کنیم. نتیجهٔ مهم این که اولین قدم در تربیت، **خودسازی** است و تغییر دادن دیگران، مستلزم تغییر دادن خود است.

کارگاه سنجش



مربی‌ان گرامی؛ وقتی تدریس شما به قسمتی از درس رسید که نشانه‌های تواضع و تکبر بیان می‌شود، کلاس را به یک کارگاه سنجش تواضع و تکبر تبدیل کنید. سؤالاتی شبیه به سؤالات زیر را از دانش‌آموزان بپرسید و کمی مکث کنید تا آن‌ها در مورد عملکرد خود تأمل کنند:

- ۱) شاگرد اوّل مدرسه هستید و در همهّ درس‌ها نمرهّ عالی گرفتید. آیا با روی خوش و بدون منت گذاشتن، به دوستانتان کمک می‌کنید تا آن‌ها هم در درس و تحصیل خود پیشرفت کنند؟
- ۲) خواهر یا برادر کوچک‌تری دارید. وقتی وارد خانه می‌شوید، اوّل شما به او سلام می‌کنید یا منتظر می‌مانید تا او اوّل سلام کند؟
- ۳) فرض کنید خیلی ثروتمند شده‌اید و پولدارترین فرد شهر یا روستای خود هستید. اگر افراد نیازمند به شما مراجعه کنند، آیا با آن‌ها گرم برخورد می‌کنید و کارشان را راه می‌اندازید؟ اصلاً با افراد فقیر همنشین می‌شوید؟
- ۴) اگر یکی از دوستان یا نزدیکانتان در حقّ شما کوتاهی کند و پس از آن پشیمان شود، آیا می‌توانید به راحتی از او بگذرید؟
- ۵) آیا به افراد کوچک‌تر از خودتان هم احترام می‌گذارید؟ مثلاً در جایی نشسته‌اید که فردی کوچک‌تر از شما به آن‌جا وارد می‌شود؛ آیا در مقابلش بلند می‌شوید؟

معقّای دانش؟

به سوالات زیر پاسخ دهید.

- ۱) به نظر شما چرا پیامبر ﷺ با وجود مقام والای خود، تصمیم به جمع‌آوری هیزم گرفتند؟
این کار ایشان نمونهّ روشنی از تواضع و فروتنی است. رسول خدا ﷺ با وجود مقام و جایگاه بی‌نظیری که در خلقت دارند، با این کار نشان دادند که خود بزرگ‌بینی و جدا کردن خود از دیگران در هیچ حالتی سزوار نیست.

۲. براساس مطالبی که گفته‌شد، در مقابل هر عبارت یکی از کلمه‌های «متواضع» یا «متکبر» را علامت بزنید.

۱. انتظار دارد اوّل دیگران به او سلام کنند. ☐ متواضع ☒ متکبر

۲. از دیگران زود عصبانی و ناراحت می‌شود. ☐ متواضع ☒ متکبر

۳. به کسانی که کوچک‌تر از خودش هستند، احترام می‌گذارد. ☐ متواضع ☒ متکبر

۴. با مردم همانگونه رفتار می‌کند که دوست دارد با او رفتار کنند. ☐ متواضع ☒ متکبر

۵. با کسی مجادله (جَرّ و بحث) نمی‌کند، حتّی اگر حق با او باشد. ☐ متواضع ☒ متکبر

۶. اشتباه‌های دیگران را می‌بخشد و کینه به دل نمی‌گیرد. ☐ متواضع ☒ متکبر

۷. اگر اشتباه کند، عذرخواهی نمی‌کند و این کار برایش خیلی سخت است. ☐ متواضع ☒ متکبر

۸. از خودش و توانایی‌هایش زیاد تعریف می‌کند. ☐ متواضع ☒ متکبر

۹. اگر کسی از او انتقاد کند، اشتباهش را می‌پذیرد و خودش را اصلاح می‌کند. ☐ متواضع ☒ متکبر

۱۰. با اینکه می‌تواند، به دیگران و افراد پایین‌تر از خودش کمک نمی‌کند و دوست دارد که

دیگران در خدمت او باشند. ☐ متواضع ☒ متکبر

داستان نیمه‌تمام زیر را براساس گزینه‌های «الف» و «ب» تکمیل کنید.

«علی» از جهت علمی و اخلاقی در نقطه بسیار بالایی قرار دارد و همیشه مورد توجه و مراجعه دیگران است. از همین جهت زمان‌های زیادی را صرف برطرف کردن مشکلات اطرافیان و کمک به آن‌ها می‌کند. روزی از روزها که برای خود برنامه گردش و تفریح گذاشته بود، دوستش در خانه را زد و از او برای کاری تقاضای کمک کرد. «علی» توانایی حل مشکل او را داشت، ولی در دو راهی کمک به دوستش و رسیدن به تفریح شخصی‌اش قرار گرفت.

الف) اگر «علی» تصمیم به کمک کردن به دوستش را بگیرد، داستان چگونه ادامه خواهد یافت؟

او تفریح خود را کنار می‌گذارد و به دوستش رسیدگی می‌کند. علی با مهربانی به دوستش کمک می‌کند تا مشکلی حل شود. او یاد گرفته است که باید متواضعانه زندگی کند و یکی از نشانه‌های تواضع کمک به کسی است که از او درخواست کمک کرده است. غیر از آن که خداوند انسان متواضع را دوست دارد، با این کار علی محبوبیتش هم نزد دوستش دوچندان می‌شود.

ب) اگر «علی» تصمیم بگیرد به تفریح خود برسد، داستان چگونه ادامه خواهد یافت؟

این انتخاب علی می‌تواند نشان‌دهنده نوعی تکبر باشد. او خودش و تفریحش را مهم‌تر از دیگری می‌داند و رفیقش را تحویل نمی‌گیرد. غیر از آن که خداوند این برخورد او را نمی‌پسندد، عملاً با این کار علی، محبوبیتش را هم کم‌تر کرده و ممکن است رفاقتش با دوستش از بین برود.



درس ۸

صدای آرامش

در این درس می‌آموزیم

۱. حضرت ابوطالب علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام دو «حامی بزرگ» پیامبر صلی الله علیه و آله بودند.
۲. «مدارا و بخشش»، ویژگی انسان متواضع است.
۳. «عصبانیت و تند»، ویژگی انسان متکبر است.
۴. «کلید آرامش»، صبر و مدارا است.
۵. مدارا در برابر اشتباه، «دشمن را به دوست» تبدیل می‌کند.
۶. «آمرزش خداوند» نصیب کسی می‌شود که دیگران را ببخشد.



سبک زندگی



اخلاق محوری؛ صبوری نسبت به خطاهای دیگران



مهارت مربّی‌گری؛ ارتباط مؤثر



یک مربّی، زمانی با دانش‌آموزانش ارتباطی مؤثر و سازنده برقرار می‌کند که نزد آن‌ها محبوبیت لازم را داشته باشد. به عبارت دیگر، اگر می‌خواهید تربیت و سخنان شما در عزیزانتان اثرگذار واقع شود، باید یک مربّی دوست‌داشتنی باشید.

یکی از کارهایی که شما را در دل دانش‌آموزان محبوب می‌کند، صبوری و مدارا نسبت به خطاهایی است که از آن‌ها سر می‌زند. اگر اشتباهی از آن‌ها دیدید، عصبانی، تند و خشن برخورد نکنید و حتّی گاهی اشتباهشان را به رویشان نیاورید تا روحیهٔ بزرگواری و بخشش را در وجود شما مشاهده کنند.

داستانک روایی



قبل از بیان داستانک روایی، حتماً نکتهٔ زیر را بیان کنید:

بزرگ‌ترین الگوهای مدارا و صبوری نسبت به خطاهای دیگران، رسول خدا ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام هستند. ما که خود را از پیروان و دوستداران این بزرگواران می‌دانیم، باید از مدارای ایشان با دیگران درس و الگو بگیریم. به عبارت دیگر، دوستی با معصومان علیهم‌السلام و پیروی از ایشان را در عمل نشان دهیم.

به یاد داشته باشیم که پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام حتّی در شرایط دشوار، با بخشندگی و مدارا با دیگران رفتار می‌کردند.

پیشنهاد می‌شود آیه زیر را خوانده و ترجمه‌اش را در کلاس بگویید:

خداوند متعال فرمودند:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ.

یقیناً برای شما در [روش و رفتار] پیامبر خدا الگوی نیکویی است.

آیه ۲۱ سوره مبارکه احزاب.

معقّای؟ دانش؟

۱ به نظر شما چرا پیامبر ﷺ با اینکه می‌توانستند به مردِ مشرک آسیب بزنند، او را بخشیدند؟

زیرا رسول خدا ﷺ بسیار اهلِ مدارا و بخشش بودند. در ضمن این کار حضرت در آن لحظه، قلب او را دگرگون کرد و به پیامبر ﷺ مایل کرد؛ درحالی‌که آسیب زدن به او فایده‌ای نداشت و صرفاً او را از پیامبر ﷺ دورتر می‌کرد.

۲ با توجه به مطالبی که در این درس آموختید، بصورت مختصر بنویسید که واکنش شما به مسائل زیر چگونه خواهد بود؟

اگر برادر یا خواهر کوچک‌ترم، به‌هنگام مطالعه و درس خواندن من، سر و صدا کرده و شلوغ کنند: من عصبانی نمی‌شوم و با مهربانی از او خواهش می‌کنم تا سکوت را رعایت کند. بعد از مطالعه و درس خواندن، با او یک بازی جذاب انجام می‌دهم.

اگر به یکی از دوستانم کمک کنم تا یکی از مشکلاتش برطرف شود، اما او از من قدردانی و تشکر نکند:

من به رفتار خوبم ادامه می‌دهم و انتظاری برای این‌که از من قدردانی شود، ندارم. به خودم یادآوری می‌کنم که کمک کردن باید بدون انتظار پاداش باشد.

اگر سرِ موضوعی، با یکی از دوستانم اختلاف نظر داشته‌باشم و او از روی عصبانیت، با من تندی و بد رفتاری کند:

من خونسردی‌ام را حفظ می‌کنم. با گذشت و مدارا، سکوت می‌کنم. بعداً که آرام‌تر شوم، در فرصتی مناسب‌تر، درباره‌ی موضوع با او صحبت می‌کنم تا به تفاهم برسیم.



درس ۹

نشانی از او

در این درس می‌آموزیم

۱. «علم کتاب» نزد امیرالمؤمنین علیه السلام است.
۲. «عقل»، هدیه خدای متعال به ما و روشن‌گر «خوبی از بدی» است.
۳. عقل، «حجت درونی» است و معصومان علیهم السلام «حجت‌های بیرونی» هستند.
۴. خدا زمین را هیچگاه بدون «حجت» رها نمی‌کند.
۵. داشتن «علم و قدرت الهی»، نشانه نبوت است.
۶. هر کار عجیب و شگفت‌انگیزی، «معجزه» نیست.

اعتقادات



حجت محوری؛ اثبات نبوت

پیشنهاد می‌شود این درس را با اجرای یک نمایشنامه کوتاه آغاز کنید. این نمایشنامه بازیگران زیادی نمی‌خواهد. خود شما نقش اصلی را ایفا کنید و یکی از دانش‌آموزان نقش دوم را بازی کند. حتماً از یک هفته قبل، متن نمایشنامه را در اختیار او بگذارید تا تمرین کند و با آمادگی لازم آن را باهم اجرا کنید. با این کار علاوه بر متفاوت شدن تدریس و جذاب شدن کلاس، این دانش‌آموز احساس مفید بودن می‌کند که نتیجه آن همراهی بیشترش با شما و کلاس است.

نمایشنامه؛ سنگ محک

نیازی نیست که به دانش‌آموزان بگویید که امروز شروعی متفاوت دارید و از قبل با یکی از بچه‌ها تمرین داشته‌اید. اجازه دهید تا ابتدا گمان کنند که همه چیز بصورت اتفاقی و بداهه رُخ داده است.

شخصیت‌ها:

۱. مدعی دروغگوی نبوت ۲. جوان عاقل

مرتباً در نقش «مدعی دروغ‌گوی نبوت» با صدای بلند می‌گوید:

من فرستاده خدا هستم! پیام‌هایی از آسمان برای شما آورده‌ام!

دانش‌آموز در نقش «جوان عاقل»، از میان بچه‌های دیگر برمی‌خیزد و می‌گوید:

اگر واقعاً پیامبر هستی، می‌توانی سؤالات ما را با علمی که خدا به تو داده‌است، جواب بدهی؟

«مُدّعی دروغگوی نبوّت»:

بپرس فرزندم!

«جوان عاقل»:

چرا برگ درختان در پاییز می‌ریزد؟!

«مُدّعی دروغگوی نبوّت» که می‌ماند چه جوابی بدهد، کمی سرش را به زیر می‌اندازد و به فکر فرو می‌رود و دست پاچه می‌گوید:

فرزندم؛ سؤالت خیلی سطح پایین و بی‌ارزش است. من پیام‌های مهم‌تری برای شما دارم!

«جوان عاقل»:

پس یک معجزه نشان بده. آیا می‌توانی مانند پیامبران دیگر، کاری کنی که ما نمی‌توانیم انجام دهیم؟
«مُدّعی دروغگوی نبوّت» در حالی که باز هم از درخواست و سؤال «جوان عاقل» مضطرب شده‌است، می‌گوید:

خب دوستان، امروز شرایط مناسب نیست! فردا در خدمتتون هستم!

مرتبّی که نقش «مُدّعی دروغگوی نبوّت» را بازی کرد، بنشیند و پس از آن «جوان عاقل» رو به سایر دانش‌آموزان این جملات را بیان کند:

یک پیامبر واقعی، همیشه «علم الهی» دارد و می‌تواند به راحتی همهٔ سؤالات را پاسخ دهد. او برای اثبات پیامبری‌اش به «قدرت الهی» می‌تواند «معجزاتی» انجام دهد. ما باید مراقب ادّعاهای بی‌اساس باشیم و «عقل» خود را به کار گیریم تا حقیقت را بیابیم.

مهارت مربّی‌گری؛ شروع جذاب



زمانی که دانش‌آموزان وارد کلاس می‌شوند، عموماً افکار **پراکنده‌ای** دارند. به همین جهت، برای رفع پراکندگی افکار و **ایجاد تمرکز**، شروع کلاس شما باید **جذاب** باشد. به عبارت دیگر، مربّی پیش از آن که مطلب اصلی را به دانش‌آموزان ارائه کند، باید ذهن آن‌ها را برای آموختن درس جدید **آماده** کند. برای شروع جذاب، کارهای مختلفی از جمله **اجرای نمایشنامه**، **پخش یا همخوانی سرود**، **دعا و توسّل**، **تعریف کردن یک داستان** و ... را می‌توان انجام داد.

معقّای دانش؟

جریانی که در زیر آورده شده، یکی از داستان‌های «مَدّعیان دروغین نبوّت» است. با توجّه به آن چه فرا گرفته‌اید، دروغین بودن این ادّعا را روشن کنید.

در زمان رسول خدا ﷺ، شخصی به نام **مُسَیْلِمَه**، ادّعای پیامبری کرد. او خودش را با پیامبر اکرم ﷺ، در نبوّت **شریک** می‌دانست. مُسَیْلِمَه این ادّعا و مسئله را با پیامبر ﷺ و مسلمانان مطرح کرد. او وقتی با مخالفت شدید آن‌ها مواجه شد، تصمیم به دشمنی با مسلمانان گرفت و با پرپا کردن آشوب‌های فراوان، افرادی را با خودش همراه کرد. تمام سعی مُسَیْلِمَه این بود که خودش را شبیه رسول خدا ﷺ کند و معجزاتی بیاورد که مردم ادّعای دروغین او را بپذیرند. به عنوان نمونه:

کودکی را نزد پیامبر اکرم ﷺ آوردند تا برایش دعا کند و چون حضرت سر او را **کچل** دیدند، دست بر سرش کشیدند و در همان لحظه مو درآورد و **شفا** یافت.

زمانی که خبر به مردم یمن رسید، کودکی را نزد مُسیلمه بردند تا برایش دعا کند و زمانی که دست بر سرش کشید، کودک **کچل** شد.^۱

با توجّه به اینکه همهٔ مسلمانان یافته بودند که پیامبر اکرم ﷺ، **عالم به علم الهی** هستند و **عظمت قرآن کریم**، کتابی که ایشان بدون درس خواندن در نزد بشری آن را برای هدایت مخلوقات آورده بودند، به خوبی علم الهی حضرتش را ثابت می‌کرد، مُسیلمه نیز تلاش نمود تا اشعاری که با آیات قرآن هم وزن باشد، پُسراید، اما به خوبی روشن بود که این اشعار کاملاً **بی‌مفهوم** و از **قرآن** تقلید شده است.

به دلایل زیر دروغ بودن ادعای پیامبری و نبوّت او روشن می‌شود:

در این درس فراگرفتنیم که برای سنجش راستگویی کسی که ادعای پیامبری می‌کند، دو نشانهٔ بزرگ وجود دارد:

۱. عالم شدن به علم الهی ۲. اعجاز به قدرت الهی

«مُسیلمه» هیچ‌کدام را نداشت. او نه تنها معجزه‌ای نیاورد، بلکه وقتی بر سر کودک دست کشید، کچل هم شد. در ضمن، با تقلید از وزن آیات قرآن، اشعاری بی‌معنی و نامفهوم سروده بود، نه آن‌که بدون کج‌گرفتن از قرآن، بتواند مشابه زیبایی و ادبیات قرآن، مفاهیم عمیق و هدایت بخشی ارائه کند.

۱. مناقب آل ابی طالب علیه السلام، ج ۱، ص ۱۱۶ - نوادر المعجزات، ص ۱۳.



درس ۱۰

اقیانوس مهر

در این درس می‌آموزیم

۱. با جانفشانی امیرالمؤمنین علیه السلام در «لیله المبیت» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از توطئه مشرکان نجات یافته و به مدینه منوره هجرت کردند.
۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله، «نماد و تجلی» رحمت و محبت است.
۳. «شفاعت از اقامت»، نمونه‌ای از مهربانی پیامبر صلی الله علیه و آله است.
۴. شفاعت، به معنای «پادرمیانی کردن» است.
۵. شفاعت، بهانه‌ای برای کوچک شمردن «عقوبت» نیست.

اعتقادات



نبوّت؛ مقام شفاعت

لحظه‌ای درنگ

مُربّیان عزیز؛ در قسمت لحظه‌ای درنگ، مطلبی بیان می‌شود که عدم توجّه به آن ممکن است برای دانش‌آموزان **آفت‌های زیادی** داشته‌باشد. بنابراین، از این بخش سریع عبور نکنید. روایتی راهگشا از ولی نعمت‌مان، **امام رضا علیه السلام** نقل شده که بیان‌ش در کلاس، کمک می‌کند تا در بحث شفاعت و امید داشتن به محبّت اهل بیت **علیهم السلام** گرفتار **افراط** و **تفریط** نشویم.

امام رضا **علیه السلام** فرمودند:

لَا تَدْعُوا الْعَمَلَ الصَّالِحَ وَالْإِجْتِهَادَ فِي الْعِبَادَةِ اتِّكَالًا عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ **علیهم السلام** وَلَا تَدْعُوا حُبَّ آلِ مُحَمَّدٍ **علیهم السلام** وَالتَّسْلِيمَ لِمُرْهُمْ اتِّكَالًا عَلَى الْعِبَادَةِ فَإِنَّهُ لَا يَقْبَلُ أَحَدُهُمَا دُونَ الْآخَرِ.

عمل نیک و تلاش در عبادت را به اعتماد و پشت گرمی **محبّت آل محمد علیهم السلام** رها نکنید و **محبّت آل محمد علیهم السلام** و تسلیم بودن نسبت به امر آنان را با تکیه بر عبادت و امگذارید؛ زیرا هرکدام از آن دو بدون دیگری [نزد خداوند] **پذیرفته** نخواهد شد.

الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا **علیه السلام**، ص ۳۳۹

به عبارت دیگر هم باید محبّت اهل بیت **علیهم السلام** را داشت و هم در عین داشتن این محبّت تلاش کرد و اعمال نیک انجام داد. نمی‌توان هیچ کدام را به بهانه داشتن یکی دیگر ترک کرد و کنار گذاشت.

مهارت مربّی‌گری؛ تربیت متعادل



به طور کلی، یک مربّی دینی موفق، دانش‌آموزانش را **متعادل** تربیت می‌کند؛ یعنی مباحث دینی و اعتقادی را به گونه‌ای بیان می‌کند که عزیزانش در باورها و عملکردشان گرفتار **افراط و تفریط** نشوند. مثلاً اگر از **امید به خداوند و بخشایش او** سخن می‌گوید، در مورد **خوف از عذاب او** نیز با دانش‌آموزانش گفتگو می‌کند و آن‌ها را از **غضب خداوند** برحذر می‌دارد. نه آن‌که دین را بصورت کاریکاتوری برای ایشان ترسیم کند و به یک بخش بیشتر پردازد و از دیگر بخش‌ها غفلت کند.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

الْفَقِيهُ كُلُّ الْفَقِيهِ مَنْ لَمْ يَقْنِطِ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ
وَلَمْ يُؤْمِنْهُمْ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ.

عالم فهمیده و واقعی کسی است که مردم را از رحمت و بخشش خدا ناامید نکند و آن‌ها را از کيفر و عذاب [ناگهانی] او ایمن نسازد.

نهج البلاغه، ص ۴۸۳

معمای دانش؟

داستان زیر را بخوانید و سپس به سؤالات «الف» و «ب» پاسخ دهید.

یکی از دوستانم و خانواده‌اش اجاره‌نشین هستند. صاحب خانه‌شان هم یکی دیگر از دوستان صمیمی من است. چند وقت پیش، سه ماه اجاره خانه را ندادند و عوضش خانوادگی رفتند به سفر تفریحی. وقتی صاحب خانه متوجه شد، دلخوری به وجود آمد و از آن‌ها خواست که خانه را تخلیه کنند. خبر که به من رسید، رفتم و پا در میانی کردم و مشکل حل شد.

خانواده دوستم که از ارتباط صمیمی من با صاحب خانه‌شان آگاه شدند، با تکیه کردن به این رابطه و تجربه پا در میانی قبل، سه ماه دیگر است که باز هم اجاره را ندادند و در عوض مبل و پرده خانه‌شان را عوض کرده‌اند.

الف) شما جای من بودید، باز هم پا در میانی می‌کردید؟ چرا؟

خیر؛ زیرا پا در میانی‌های زیاد ممکن است به خانواده‌ی دوستان این پیام را بدهد که می‌توانند همچنان بدون پرداخت اجاره به تعهدات خود عمل نکنند. به جای آن، با خانواده دوستم صحبت می‌کنم که به تعهداتشان عمل کنند و اجاره را به موقع پرداخت کنند.

ب) اگر ما هم با تکیه کردن به شفاعت اهل بیت علیهم‌السلام، گناهی مرتکب شویم؛ به نظرتان چه اتفاقی در قیامت بیافتد، باید خودمان را سرزنش کنیم؟

سوءاستفاده از مقام معنوی آن بزرگواران عمل نادرستی است. همچنین نشان‌دهنده عدم درک و فهم غلط از شفاعت و مسئولیت‌پذیری در برابر اعمال خودمان است. امید به شفاعت نباید ما را از انجام وظایف و پرهیز از گناهان غافل کند.

۲ هرکدام از بیت‌های زیر را معنا کنید و سپس با توجه به آنچه در این درس فراگرفته‌اید،

درستی یا غلطی هر بیت را علامت بزنید.

ای دل اگر محاسبه حشر با علیست من ضامنم که هر چه بخواهی گناه کن!

اگر محاسبه و پاداش اعمال در روز قیامت به دست امیرالمؤمنین علیه السلام است، خیالت راحت! هرچه
من خواهم گناه کن!

☒ غلط ☐ درست

ای دل یقین محاسبه حشر با علیست شرم از رُخ علی کن و کمتر گناه کن

قطعاً محاسبه اعمال در روز قیامت، به دست امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ پس از ایشان حیا نما و کمتر گناه کن

☐ غلط ☒ درست



درس ۱۱

کیمیای اثر

در این درس می‌آموزیم

۱. پیامبر ﷺ، با مردم بسیار «نرمخو و مهربان» بودند.
۲. «نرمخویی» شرط اول یک ارتباط خوب و موفق است.
۳. نرمخویی، «زینت» و تندخویی، زشتی انسان است.
۴. «شیعه واقعی»، مایه افتخار و زینت اهل بیت است.
۵. نرمخویی، موجب «برکت» و خشونت، مایه پیچارگی است.

سبک زندگی



اخلاق محوری؛ نرمخویی



مهارت مربی‌گری؛ تربیت با سکوت



در زمانه ما گروه‌ها و افراد مختلفی به تبلیغ دین مشغول هستند که بسیاری از این تبلیغ‌ها با ابزاری به نام «زبان» انجام می‌شود. به عبارت دیگر، مربیان و مبلّغان دینی وقت زیادی را برای گفتگو و سخن گفتن با دیگران صرف می‌کنند تا آن‌ها به دین و مذهب روی آورند و آداب آن را رعایت کنند. اما نکته مهمی که معمولاً از آن غفلت می‌شود، عدم توجه به «تربیت غیرلسانی؛ تربیت بدون زبان» است. گاهی مشاهده یک اخلاق و رفتار زیبا از شما، فرد یا افرادی را به سوی دین و مذهب مایل می‌کند. یادمان نرود که یکی از همان اخلاق‌ها، نرمخویی و مهربانی با دیگران است. جمله کلیدی که نباید آن را فراموش کنیم این است:

با تندى و خشونت نمى‌توان كسى را
با خداوند و اهل بیت علیهم‌السلام دوست كرد.

لحظه‌ای درنگ / برای مثال



در بخش «لحظه‌ای درنگ» می‌توانید از روایت زیر و مثالی که در ادامه می‌آید، بهره ببرید:

امام صادق علیه‌السلام به یکی از شیعیان و دوستانشان فرمودند:

إِنَّ الْحَسَنَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ حَسَنٌ وَإِنَّهُ مِنْكَ أَحْسَنُ لِمَكَانِكَ مِنَّا.

انجام کار خوب از هرکسی خوب است، اما از تو **خوب‌تر** است؛
به خاطر نسبتی که با ما داری. [مردم تو را شیعه ما می‌دانند.]

مناقب آل ابی طالب علیهم‌السلام، ج ۴، ص ۲۳۶

برای فهم بهتر، این مثال می‌تواند راهگشا باشد. من و شما پدرمان را دوست داریم و هر کجا که بشود از او سخن می‌گوییم. فرض کنید که مدام به دیگران می‌گوییم که پدرمان الگوی ماست و ما تربیت‌شده او هستیم. در چنین شرایطی، هر رفتار زیبایی که داشته باشیم، مایه افتخار و آبرومندی پدر بین اطرافیان است و هر کار ناشایست ما، سبب خجالت کشیدن اوست.

اگر ما نسبت خود و اهل بیت علیهم‌السلام را نیز اینگونه بیان می‌کنیم و مدام از الگو بودن ایشان سخن می‌گوییم، مثال ایشان نیز همینگونه است. هر اخلاق خوب و رفتار زیبا که از ما سر بزند، مایه افتخار ایشان است؛ چراکه ما را به ایشان نسبت می‌دهند.

معقّای دانش؟

۱ در این بخش آموختیم که نرم‌خویی صفت زیبا و دلنشینی است که هر مؤمنی باید خودش را به آن آراسته کند. داستانی زیر را با دقت بخوانید و بنویسید کدام رفتارها نشانه «نرم‌خویی» و کدام رفتارها نشانه «تندخویی» است؟

کوچه بیمارستان یک‌طرفه بود، اما مجبور شد ورود ممنوع برود، چون حال فرزندش خیلی بد و اورژانسی بود و باید هرچه سریع‌تر پسر نازنینش را به بیمارستان می‌رساند. ای وای؛ من که هیچ وقت خلاف نمی‌روم، ولی حالا به بار که مجبور شدم به خاطر حال بد فرزندم

ورود ممنوع بیایم، از روبه‌رو ماشین آمد! این جملات را درحالی می‌گفت که کودکش در تب می‌سوخت و از درد به خود می‌پیچید. سرعتش را آرام کرد، پنجره را پایین داده و با عذرخواهی و حالت التماس، درخواست کرد که راننده ماشین رو به رو، کمی کنار رود تا بتواند عبور کند. اما ماشین مقابل بدون توجه به آن‌که در کنار بیمارستان قرار دارد، دستش را روی بوق گذاشت و نور بالا زده و با عصبانیت و ناسزاگویی فریاد کشید که برو عقب. تو ورود ممنوع آمده‌ای!

درست است، حق با راننده مقابل بود. کوچه یک‌طرفه بود، اما... در نهایت مجبور شد آن کوچه باریک را تا انتها دنده عقب برود تا آن ماشین عبور کند و مجدّد مسیرش را ادامه دهد. هرطور بود فرزندش را به اورژانس بیمارستان رساند، اما هنوز دکتر نیامده بود. بی‌قراری کودکش، او را هم بی‌قرار کرده بود و نمی‌دانست باید چه کند که ناگهان پرستار گفت آقای دکتر تشریف آوردند. همین که با دکتر روبه رو شد و چشم در چشم هم شدند، هر دو خشکشان زد! بله، دکتر همان راننده عصبانی مقابل بود. پزشک سرش را به زیر انداخت و با عذرخواهی گفت:

شرمنده‌ام! من باید به شما راه می‌دادم. نمی‌دانستم مریض بدحال در ماشین دارید. پدر درحالی که کودکش بی‌رمق در دستانش قرار داشت، گفت: پیش می‌آید. گذشته‌ها، گذشته!

موارد نرم‌خویی در داستانک:

۱. پدر با عذرخواهی و خواهش از راننده مقابل خواست تا به او اجازه عبور بدهد.

۲. پدر در موقعیت پایانی داستان با درک و فهم، عذرخواهی دکتر را پذیرفت.

موارد تندخویی در داستانک:

۱. رائدۀ مقابل پدر که همان دکتر بود، با عصبانیت و ناسزاگویی بر سر پدر فریاد زد و از او خواست عقب برود.

۲. دکتر در ابتدا، با نور بالا و بوق زدن برخورد تندی داشت.

۲ فرض کنید پس از گذراندن یک روز سخت، با خستگی وارد خانه می‌شوید و ناگهان می‌بینید که خواهرزاده خُردسالتان، صفحات یکی از مهم‌ترین کتاب‌هایتان را با مدادرنگی خط خطی کرده است. دو نمونه از رفتارهایی که می‌تواند اتفاق بیفتد را بنویسید:

رفتار نرم‌خویانه:

با لبخند به او نزدیک می‌شوم و به آرامی می‌گویم که این کتاب برای من بسیار مهم است و از او می‌خواهم که قبل از استفاده از وسایلم از من بپرسد.

رفتار تندخویانه:

با دیدن کتاب خط خطی شده، عصبانیتم را نشان داده و با صدای بلند به خواهرزاده ام می‌گویم که چرا بدون اجازه از وسایلم من استفاده کرده و باعث خرابی آن‌ها شده است.



درس ۱۲

نجوای انصاف

در این درس می‌آموزیم

۱. مگه به دست پیامبر اکرم ﷺ، با «مهربانی و عفو عمومی»، بدون جنگ و خونریزی فتح شد.
۲. «انصاف» یعنی هرآن‌چه برای خود می‌پسندیم، همان را برای دیگران هم بپسندیم.
۳. رفتار مؤمن با دیگران، «مُتصِفانه و عادلانه» است.
۴. بسیاری از اختلاف‌ها و جنگ‌ها، ناشی از «بی‌انصافی» است.
۵. دوستان افراد با انصاف، «زیاد» هستند.



سبک زندگی



اخلاق محوری؛ انصاف



لحظه‌ای درنگ



مرتب‌بان گرامی؛ در این بخش، کمی توقف کرده و با عزیزانتان گفتگو کنید. با این کار می‌توانید آثار زیبایی که انصاف دارد را برای دانش‌آموزان بیان کنید.

پیشنهاد می‌شود مطالب زیر را به توضیحات کتاب اضافه کنید.

دوستان عزیزم؛ باورتان می‌شود که اگر ما مردم جهان به همین یک دستور اهل بیت علیهم‌السلام عمل می‌کردیم که:

«آن‌چه برای خود می‌پسندیم، برای دیگران هم بپسندیم.»

دنیا‌یی پُر از صلح و آرامش داشتیم؟!

فکر می‌کنید چرا این همه جنگ و دعوا در اطراف ما وجود دارد؟

جواب روشن است. اگر در رفتار و تعامل با دیگران، همانگونه که دوست داشتیم با ما برخورد شود، با آن‌ها برخورد می‌کردیم، دیگر جنگ و دعوایی باقی نمی‌ماند. چراکه:

کسی را مسخره نمی‌کردیم.

با کسی برخورد خشن و تند نمی‌کردیم.

اهل ایثار و از خودگذشتگی بودیم.

با خوشرویی و مهربانی با دیگران رفتار می‌کردیم.

تهمت نمی‌زدیم.

اهل بخشش و سخاوت بودیم.

غیبت و بدگویی نمی‌کردیم. به کسی دروغ نمی‌گفتم.

با افراد برخورد محترمانه داشتیم و از هرگونه توهین پرهیز می‌کردیم.

برای رسیدن به منافع خودمان، کسی را فریب نمی‌دادیم.

در حدّ توانمان به دیگران کمک می‌کردیم.

و

مهارت مربّی‌گری؛ انصاف در تعامل با دانش‌آموز

همانطور که گفتیم تربیت را باید از خودمان شروع کنیم. گاهی برخی از مربّیان در عصبانیت با واژه‌های **تند و ناخوشایندی** مثل، آی‌کیو، بی‌ادب، پُر رو و ... دانش‌آموزانشان را مورد خطاب قرار می‌دهند. این کار ناپسند، عین **بی‌انصافی** است و آثار بدی دارد. بر اساس محتوای درس، انصاف را از خودمان شروع کنیم. آیا می‌پسندیم که مربّی و کسی که به ما درس می‌دهد، ما را چنین خطاب قرار دهد و از چنین واژه‌هایی در برخورد با ما استفاده کند؟

جدای از مطلب بالا، می‌توان موارد زیر را به عنوان برخی از آثار **مُخَرَّب** این کار برشمرد:

● یکی نبودن حرف و عمل مربّی

● از بین رفتن مقبولیت مربّی نزد دانش‌آموز

● تخریب انگیزه دانش‌آموز برای اصلاح

● ایجاد کینه و دشمنی در دل دانش‌آموز

معقّای دانش؟

۱ به قسمت «برای مثال» در این بخش مراجعه کنید. نمونه‌هایی که از انصاف بیان شد را یک‌بار دیگر بخوانید و سه نمونه دیگر از رفتارهای مُنصفانه که می‌توانید در شبانه روز نسبت به اطرافیان‌تان داشته باشید را در جدول زیر بنویسید.

انصاف یعنی آن‌چه برای خود می‌پسندی، برای دیگران هم بپسند و هرچه برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران هم نپسند.

نمونه ۱: اگر دوست داریم دیگران در مقابل ما به وعده‌های خود عمل کنند، ما نیز به وعده‌های خود پایبند باشیم.

نمونه ۲: اگر دوست نداریم کسی سخنج ما را قطع کند، ما نیز سخنج کسی را قطع نکنیم.

نمونه ۳: اگر دوست داریم دیگران از خطا اشتباه‌های ما بگذرند، ما نیز از خطای دیگران بگذریم.

۲ برخورد منصفانه در خیلی از موقعیت‌ها معنادار است. با خواندن نمونه‌های زیر که نشان از «بی‌انصافی» است، رفتار «منصفانه» را یادداشت کنید.

ما و طبیعت

رفتار از روی بی‌انصافی

روز جمعه با خانواده به پارک رفته بودیم، موقع غروب که شد نگاهی به اطراف کردم و متوجّه شدم که برخی خانواده‌ها، بطری‌های آب و پاکت‌های خوراکی‌ها را روی چمن‌ها رها کرده و رفته‌اند.

رفتار منصفانه

پس از استفاده از فضاهای عمومی مثل پارک‌ها، باید زباله‌ها را در سطح زباله بیندازیم تا طبیعت زیبا از بین نرود.

ما و بازی‌های دوستانه

رفتار از روی بی‌انصافی

میان بازی متوجه شدم که یکی از دوستانم برای اینکه برنده شود، بدون آن‌که دیگران متوجه شوند، کاری خلاف قوانین بازی انجام داد. برای همین او در بازی ماند و یکی دیگر از دوستانم که متوجه کار او نشد، از بازی خارج شد.

رفتار منصفانه

چنانچه دوست داریم دیگران قوانین بازی را رعایت کنند، ما نیز باید به قوانین بازی احترام بگذاریم و برای پیروز شدن دست به هرکاری نزنیم.

ما و بدنمان

رفتار از روی بی‌انصافی

در ماشین نشسته بودم که متوجه شدم راننده برای دیدن تابلوی خیابان‌ها، چشمانش را فشرده و باز می‌کند و گاهی از خیابانی رد می‌شویم و می‌گویید: ای بابا.

پرسیدم چیزی شده؟

گفت: چشمانم ضعیف است، ولی عینک نمی‌زنم. برای دیدن تابلوها، باید خیلی به چشمانم فشار بیاورم و باز هم گاهی نمی‌توانم بخوانم.

رفتار منصفانه

کاری که به بدن آسیب می‌زند را انجام ندهیم و یا خوراکی که برای بدن ضرر دارد را استفاده نکنیم.

درس ۱۳

وارثان خورشید

در این درس می‌آموزیم

۱. «صادقانی» که به دستور قرآن کریم باید با آنها همراه باشیم، اهل بیت علیهم‌السلام هستند.
۲. «امامت»، دنبالهٔ نبوت و رسالت است.
۳. خداوند، بندگان را بدون «حجت هدایتگر» رها نکرده است.
۴. جانشینان انبیاء علیهم‌السلام را «فقط خداوند» معرفی می‌کند.
۵. جانشینان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، «امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام» و یازده نفر از فرزندان بزرگوار ایشان هستند.
۶. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، شخصاً جانشینان خود را «تعیین و معرفی» کردند.

اعتقادات



امامت؛ جانشینان راستین پیامبر ﷺ



مهارت مربی‌گری؛ توجه بیشتر به ارکان دین



یکی از مهم‌ترین امور در تربیت دینی این است که **ارکان دین** را در وجود دانش‌آموزان نهادینه کنیم. این نکته واضح است که روی **اصل** باید بیش از فرع تأکید داشت. اگر برخی از امور فرعی در دین را بیش از ارکان آن مورد توجه قرار دهیم، قطعاً مسیر تربیت را اشتباه رفته‌ایم. شناختن و تسلیم بودن نسبت به **پیامبر و امامان معصوم علیهم‌السلام**، در ادامه **توحید** و شناختن صحیح و تسلیم بودن نسبت خداوند است. کسی که خداوند و حجت‌های او را به درستی نشناسد، در سایر باورها و سبک‌زندگی نیز دچار **انحراف** می‌شود. بنابراین، یادمان نرود که تدریسمان باید **خدا محور و حجت محور** باشد.

برای مثال



برای درک و فهم بهتر دانش‌آموزان از مثال‌های زیر و نتیجه‌گیری انتهای آن می‌توان استفاده کرد.

۱) من کاپیتان تیم فوتبالم؛ تیم فوتبال مدرسه. پارسال خوردم زمین و پایم شکست. به بچه‌های تیم گفتم تا موقعی که پای من تو گچه، جواد **به جای من** کاپیتان تیم باشه. بعد خودم بازوبند کاپیتانی را بستم به دستش.

۲) یک روز معلّم ما با یک آقای دیگه آمد سر کلاس و گفت:

بچه‌ها؛ از این به بعد من معلّم شما نیستم. من باید توی یک شهر دیگه درس بدهم. اما به جای من، این آقا، معلّم شما خواهد شد. ایشون معلّم خوبیه مطمئنم از ایشون خوشتون میاد.

۳) ما تو مسجد محل، حاج آقای خیلی خوبی داشتیم که پشت سرش نماز می‌خوندیم. یک شب آقا، نماز مغرب رو که خوند، رو به جمعیت کرد و گفت:

برادرهای عزیز و خواهرهای محترمی که صدای من را می‌شنوید؛ من چند سالی در خدمت شما بودم. اما حالا می‌خوام برای تبلیغ دین خدا، برم یه شهر دیگه. از امشب به بعد به جای من تو این مسجد، این آقا سیّد محترم، حاج آقا محمّدی نماز می‌خونه، من او را قبول دارم.

بعد آقا سیّد را از جایش بلند کرد و برد روی سجّاده خودش.

این مثال‌ها را در نظر داشته باشید و به داستان زیر دقّت کنید:

یکی دو ساله در کوچه ما کسی پیدا شده که حرف‌های عجیب و غریب می‌زند. مهم‌ترینش این است که ادّعا می‌کند که پیغمبر ﷺ بعد از خودش کسی را برای جانشینی تعیین نکرده و فرموده: خود شما در این مورد تصمیم بگیرید.

من به او گفتم:

وقتی من پایم شکست، بازوبند کاپیتانی را دادم به جواد.

معلّم ما وقتی می‌رفت به شهر دیگه، فکر معلّم بعدی بود و کسی را برای ما تعیین کرد.

حاج آقای مسجد محل وقتی خواست برود شهر دیگه، کس دیگری که کامل مورد اعتمادش بود را به عنوان پیش‌نماز جدید مسجد معرفی کرد.

چطور می‌شود پیغمبر ﷺ، دین و آیین تازه را بی‌سرپرست بگذارد و انتخاب راهنمای پس از خود را به مردم واگذار کند؟!

طفلی وقتی حرف من به اینجا رسید، گفت:

باید گذاری کمی فکر کنم و دفعه بعد پاسخت را می‌دهم.

او یک سال است رفته که جواب را بیاورد و من هنوز منتظر پاسخش نشسته‌ام!!

معقّای دانش؟

به سوال زیر پاسخ دهید.

شخصی مسیحی به تازگی مسلمان شده‌است. او برای اینکه بهتر دین خدا را بشناسد و به وظایفش عمل کند، باید با جانشینان حقیقی رسول خدا ﷺ آشنا شود و از آن‌ها پیروی کند تا در مسیر سعادت قدم بردارد. اما عده‌ای که دور از حقیقت‌اند، به او گفته‌اند: خدا برای پیامبر ﷺ جانشینی تعیین نکرد و انتخاب جانشین را بر عهده خود مسلمانان قرار داد!

با این حرف، او دچار سردرگمی شده و نمی‌داند چه کند. لطفاً با مطالبی که از این درس آموخته‌اید، این شخص تازه مسلمان را راهنمایی کنید تا از سردرگمی خارج شود.

به او می‌گوییم دین اسلام بر پایه عقل و دلیل استوار است. وقتی هرکسی که مسئولیت و جایگاهی دارد، برای خودش جانشین انتخاب می‌کند تا در نبودش به کارها رسیدگی کند، خیلی غیر عاقلانه است که پیامبر ﷺ، مردم و امتش را پس از خود بدون جانشین و سرپرست و راهنما رها کرده باشند. در ضمن وقتی به منابع تاریخی و حدیثی مسلمانان مراجعه کنیم، می‌بینیم که رسول خدا ﷺ بارها و بارها بصورت خیلی واضح جانشینانشان را در مواقع مختلف معرفی کرده‌اند.



درس ۱۴

دوستی با دوستان

در این درس می‌آموزیم

۱. پیامبر اکرم ﷺ، در «غدير»، امير المؤمنين ﷺ را برای چندمين بار به عنوان جانشين معزفي کرده و برای ايشان بصورت همگاني «بيعت» گرفتند.
۲. پاداشي رسالت پيامبر ﷺ، «دوستي با اهل بيت ﷺ» است.
۳. ايمان به خداوند وابسته به «دوست داشتن اهل بيت ﷺ» است.
۴. «دوستي با دوستان» بهانه‌اي برای زندگي مسالمت‌آمیز است.
۵. «علاقه قلبي» به دوستان اهل بيت ﷺ، انسان را برای ايشان عزيز می‌کند.



درس معرفت

یونس گفت:

بعد از بیان این حکایت زیبا، جملات زیر را به عنوان جمع‌بندی می‌توانید بیان کنید:

بچه‌های عزیز؛ همه با هم کمی فکر و تأمل کنیم و از یونس بن عبدالرحمن درس بگیریم. دل‌هایمان را **صاف و کینه‌ها** را از آن خارج کنیم. اگر کسی از شیعیان و دوستداران اهل بیت علیهم‌السلام نسبت به ما اشتباهی کرده، همین الآن او را **به‌خاطر اهل بیت علیهم‌السلام** حلال کنیم.

۱. ا. رجال، کتب، ص ۴۸۸ و ۴۸۹.

مهارت مربّی‌گری؛ کاربردی کردن آموزه‌ها



مربّیان عزیز؛ همانطور که بارها گفته شد، شما در «طرح مهر و ایمان» باید کاری کنید تا این مباحث **ملموس و کاربردی** شود و در رفتار عزیزانتان بروز پیدا کند. قصد ما این نیست که انبوهی از اطلاعات دینی را به دانش‌آموزان تزریق کنیم! ما می‌خواهیم آن‌ها **خوب و خداپسندانه** زندگی کنند. یکی از راهکارها این است که از مباحث اعتقادی استفاده‌های کاربردی کنید. مثلاً اگر می‌دانید بعضی از دانش‌آموزان گرفتار دعا و قهر کردن با یکدیگر هستند، وقتی به موضوع این درس رسیدید، از آن استفاده کرده و با مثال **مستقیم**، در پیِ تخییر سبک زندگی باشید. به عنوان مثال بگویید:

کسی که محبّت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَعْدُ اللَّهِ در دلش باشد، بخاطر
امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ از دوستانش می‌گذرد و با آن‌ها که دوستدار
صاحب الزّمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَعْدُ اللَّهِ هستند، مهربان است.

این برخورد و این کار یکی از معانی عبارت زیر است که در زیارت عاشورا می‌خوانیم.

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، إِنِّي سَلَّمُ لِمَنْ سَأَلَكُمْ
وَحَزَبٌ لِمَنْ حَازَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

ای ابا عبدالله؛ من تا روز قیامت با کسی که با شما صلح کرده [و دوستان
دارد] در صلح و آشتی هستم و در جنگ و دشمنی هستم با کسی که با
شما سر جنگ دارد [و دشمنی می‌کند].

معقّای دانش؟

«داستان ناتمام» زیر را با توجّه به آن چه در این درس آموخته‌اید، با استدلال‌هایی از روایات، تمام کنید.

دو دوست صمیمی که از سال اوّل دبستان تا کنون با یکدیگر رفیق بودند، هر سال دههٔ اوّل محرم با همکاری بزرگ‌ترها و دیگر دوستانشان، در مسجد محل، مجلس عزاداری برای **امام حسین** علیه السلام برپا می‌کنند. امسال پیش از محرم سرِ موضوعی با هم دُچار اختلاف شدند، کمی بحثشان شد و قهر کردند. هفتهٔ بعد محرم است و شروع هیئتِ هر ساله...

آن‌ها آموخته‌اند که هر که اهل بیت علیهم السلام را دوست دارد، باید با او دوست و مُهربان باشند. همچنین به یاد می‌آورند که اختلافات سطحی و کوچک، نباید روابط آن‌ها که بر اساس محبّت اهل بیت علیهم السلام و مجلس عزای امام حسین علیه السلام شکل گرفته‌است را خراب کند.

به همین دلیل، هر دو به خاطر سید الشهدا علیه السلام با هم آشتی کرده و مثل هر سال، مجلس عزاداریِ ماه محرم را برگزار می‌کنند.



درس ۱۵

همراه حق

در این درس می‌آموزیم

۱. اهل بیت علیهم‌السلام، «رسمان محکم الهی» هستند که باید به آن پناهنده شویم.
۲. اهل بیت علیهم‌السلام، «کشتی نجات» هستند.
۳. «تنها راه نجات»، پناهنده شدن به اهل بیت علیهم‌السلام است.
۴. شیطان، همه تلاش خود را می‌کند تا ما را از اهل بیت علیهم‌السلام جدا کند.

اعتقادات



امامت؛ همراهی حق با امام معصوم علیه السلام



مهارت مربی‌گری؛ واکسینه کردن



آگاهی یک مربی دینی نسبت به شبیهات و گرفتاری‌های فکری و عملی دانش‌آموزان بسیار مهم است و کمک می‌کند تا بتواند راهکاری جهت واکسینه کردن ایشان پیدا کند. البته در این کار باید دقت‌های لازم را به کار برد:

- ① غیرمستقیم و بدون اینکه شبیهه در کلاس مطرح شود، نکاتی را بیان کنید که پاسخ سؤالات ذهنی ایشان باشد. اگر این کار حساب‌شده انجام شود، در صورتی که دانش‌آموزی الآن درگیر آن سؤال نباشد، بعداً که شبیهه را شنید، با دانستن پاسخ، ذهنش درگیر نشده و باورش سُست نمی‌شود.
- ② خودمان اطلاعات کافی را نسبت به پاسخ عقلی و نقلی شبیهات رایج داشته باشیم. اگر تسلط و دانش لازم را نداشته باشیم، ورود ما به این عرصه، آفتش بیش از فایده آن خواهد بود.

امامت؛ همراهی حق با امام معصوم علیه السلام



وقتی به این بخش رسیدید، حتماً مطالب زیر را بدون عجله بیان کنید.

دوستان عزیزم؛ به نظر شما آیا امکان دارد که ما در این دنیا چندین «راه مستقیم» که ما را در دنیا و آخرت خوشبخت کند، داشته باشیم؟

پاسخ این سؤال روشن است، «صراط» به معنای «راه» است و راه‌ها، خداوند در آیه ۶ و ۷ سوره مبارکه حمد فرموده، یک «صراط مستقیم» وجود دارد و هر راهی غیر از آن، نه تنها نجات‌دهنده نیست، بلکه ما را از رضایت خدا نیز دور می‌کند. اگر غیر از این بود، خداوند عبارت «صراط‌های مستقیم» را در قرآن به کار می‌برد. آیه دیگری در قرآن کریم وجود دارد که این موضوع را برای ما کامل روشن می‌کند.

خداوند متعال می‌فرماید:

وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ.

این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید و از راه‌های دیگر [و انحرافی] پیروی نکنید که شما را از راه او دور می‌سازد! این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می‌کند، تا پرهیزکار شوید.

آیه ۱۵۳ سوره مبارکه انعام

وقتی از امام باقر علیه السلام درباره معنای همین آیه سؤال شد، حضرت فرمودند:

امیرالمؤمنین علیه السلام و امامان از فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام راه خداوند هستند، پس هر کس به آن‌ها برسد [با آن‌ها همراه شود]، راه مستقیم را پیموده است.^۱

۱. تفسیر فرات کوفی، ص ۱۳۷.

معمای دانش؟

به سوال زیر پاسخ دهید.

۱ تصمیم گرفته‌اید «اعتقادات و روش صحیح زندگی» را یاد بگیرید و به آن عمل کنید تا عاقبت بخیر شوید. وقتی کمی تحقیق و مطالعه می‌کنید، با افراد مختلفی مواجه می‌شوید که همگی ادّعا می‌کنند سخنان آن‌ها درست است. شما دچار حیرت می‌شوید که حق با کدامشان است. در چند سطر بنویسید که با توجّه به مطالبی که در این درس آموخته‌اید، برای اینکه «اعتقادات و روش صحیح زندگی» را فرا بگیرید، باید چه کنید؟ چرا؟

به کلام و سیره اهل بیت علیهم‌السلام مراجعه می‌کنم و به ایشان متمسّک می‌شوم؛ چراکه طبق آیات قرآن کریم و فرمایش رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله صراط مستقیم و تنها راه نجات، مراجعه به اهل بیت علیهم‌السلام و پیروی از ایشان است.

۲ به نظر شما چرا «عقلاً» کسی که ویژگی‌های زیر را دارد، نمی‌تواند خطا و اشتباه داشته باشد و باید «معصوم» باشد؟

اوّل: «ریسمان الهی است و ما باید به او پناهنده شویم.»

دوم: «کشتی نجات است و برای غرق نشدن، باید خود را به او بسپاریم.»

برای اینکه بتواند ما را به مسیر درست هدایت کند و از خطرات نجات دهد. معصوم بودن این فرد اطمینان می‌دهد که دستورات و راهنمایی‌های او کاملاً صحیح و بدون خطاست. این ویژگی‌ها نشان می‌دهند که او به طور کامل تحت حمایت و هدایت خداوند است.



درس ۱۶

کلید خوشبختی

در این درس می‌آموزیم

۱. برخی از منافقان به وسیلهٔ سم، پیامبر ﷺ را به «شهادت» رساندند.
۲. «نیکی به والدین»، دنیا و آخرت انسان را آباد می‌کند.
۳. «نیکی به والدین»، «شتابندهٔ هر کاری» است.
۴. از اثرات نیکی به والدین؛ «رضایت خداوند»، «آسانی مرگ» و «بهبودی شدن»، «افزایش عمر» و «دور شدن از فقر» است.
۵. «نگاه محبت‌آمیز» به والدین، عبادت است.

سبک زندگی



اخلاق محوری؛ نیکی به والدین

به خاطر بسپاریم

قبل از اینکه حدیث این بخش را در کلاس بخوانید، حتماً تذکر زیر را بیان کنید.

وقتی که واژه **عبادت** را می‌شنویم به یاد چه مواردی می‌افتیم؟ اصلاً این عبارت را چه زمان‌هایی به کار می‌بریم؟ چه کسی را اهل عبادت و بندگی خدا می‌دانیم؟

دوستان گلم؛ یکی از اشتباه‌های ما این است که عبادت را فقط در نماز خواندن، روزه گرفتن، سجده‌های طولانی، ذکر گفتن، دعا کردن و ... می‌دانیم؛ در صورتی که اینگونه نیست.

وقتی ما به **کلام معصومین** علیهم‌السلام مراجعه می‌کنیم، اعمالی را به ما معرفی می‌کنند که به ظاهر ساده هستند، اما عبادت خداوند محسوب می‌شوند و رضایت او را به دنبال دارند.

به عبارت دیگر، «عبادت» یعنی بندگی، یعنی تسلیم خداوند بودن و از او پیروی کردن. هر کاری که انجام دادن و یا ترک کردنش مورد رضایت الهی باشد، عبادت خداوند به حساب می‌آید. چه انجام دادنش سخت باشد و چه آسان. چه زیاد باشد و چه کم. با یکی از همین عبادات در حدیث «به خاطر می‌سپاریم»، آشنا می‌شویم.

مهارت مربی‌گری؛ روش صحیح انتقاد کردن



از مهارت‌های یک مربی موفق، انتقال صحیح **انتقاد** خود به دانش‌آموزان است. او به واسطهٔ علاقه‌ای که به رشد دانش‌آموزانش دارد، باید **آینه‌وار عیوبشان** را به آن‌ها **هدا** کند. اما این کار با چه روشی باید انجام شود تا مخاطب دلخور و ناراحت نشود؟

برخی از متخصصان روانشناسی، روش مؤثری را در این زمینه ارائه می‌کنند. آن‌ها می‌گویند: برای کم کردن اثر ناخوشایند انتقاد یا نکته منفی، آن را در میان دو عبارت مثبت قرار داده و به مخاطب عرضه کنید. به عنوان مثال اگر دانش‌آموزی رفتار مناسبی با پدر و مادرش ندارد، اینگونه از او انتقاد کنید:

«جمله مثبت اول»: احمد جان؛ من خوب می‌دانم که تو پسر با ایمان و خیلی خوبی هستی و همیشه دوست داری که دستورات خداوند را انجام دهی.

«انتقاد»: اما گاهی با پدر و مادر تندی رفتار می‌کنی؛ درحالی که احترام به پدر و مادر خیلی مهم و نشانه ایمان است.

«جمله مثبت دوم»: من مطمئنم تو می‌توانی با مهربانی و احترام بیشتری با آن‌ها رفتار کنی؛ چون همیشه نشان داده‌ای توانایی بهتر رفتار کردن را داری.

معمای دانش

۱ پنج مثال از کارهایی بنویسید که پدر و مادران از انجام دادن آن‌ها توسط شما خیلی خوشحال می‌شوند.

این سؤال، به گونه‌ای طراحی شده که هر یک از دانش‌آموزان باید پاسخ مربوط به خودشان را بیان کنند. بنابراین، یک پاسخ مشخص و همگانی وجود نخواهد داشت. ما به عنوان نمونه، یک پاسخ بیان می‌کنیم، اما اجازه دهید دانش‌آموزان پاسخ‌های خود را بنویسند و به نگارش ایشان سمت و سوندهید.

پاسخ نمونه

۱. کمک به آن‌ها در کارهای خانه.
۲. تلاش برای آن‌که در درس‌هایم موفق شوم.
۳. منظم و مرتب کردن کتونی لباس‌هایم.
۴. احترام گذاشتن به آن‌ها و سایر بزرگ‌ترها.
۵. نگاه کردن به صورتشان، وقتی که با من سخن می‌گویند.

پاسخ این سؤال هم مانند، پاسخ قبلی واحد نیست. اجازه دهید که هر کسی موردی که به ذهن خودش می‌رسد را یادداشت کند و در انتها برای شما و دوستانش بخواند.

پاسخ نمونه

۱. راستگو باشید و احساسات خود را با من در میان بگذارید.
۲. مرا با ضمیر جمع صدا کنید و موقع نشستن پایتان را سوی من دراز نکنید.
۳. به من بی‌احترامی و تندی نکنید؛ حتی اگر با نظراتم موافق نیستید.
۴. قدر دان زحماتم باشید. یک تشکر ساده و یک لبخند شما می‌تواند روزم را بهتر کند.
۵. مدام سرتان در گوشی نباشد. دوست دارم در کنارم باشید. من لحظات با شما بودن را دوست دارم.



طرح «مهر و ایمان» تلاش می‌کند تا بذر «مهر» اهل بیت (علیهم‌السلام) را در دل‌های تشنه و دورمانده از امام خود آبیاری کند؛ امامانی که «ایمان» عجین با مهرشان است. کتابی که پیش روی شماست، دومین سطح از مجموعه کتاب‌های طرح بوده که با عنوان «طنین باورها» منتشر شده است. «طنین باورها» به معنای بازتاب اعتقادات و باورها در زندگی است. این کتاب بر دو پایه اساسی استوار است:

- بیان ساده باورها و اعتقادات یک مؤمن با هدف آشنا شدن با آنها.
- بیان سبک زندگی به محوریت باورها، با هدف تغییر و بهبود زندگی.

ویژگی برجسته این مجموعه کتاب، تقسیم‌بندی باورها و سبک زندگی در جلد‌های مختلف و در قالب زندگی ۱۴ معصوم (علیهم‌السلام) است. این کار به گونه‌ای انجام شده که در هر کتاب، ضمن آشنایی با زندگی معصومان، سیره اعتقادی و رفتاری ایشان تبیین شود و تغییر و بهبود زندگی را پدید آورد.

جلد اول از سطح دوم
سلسله کتاب‌های تربیتی



انتشارات آستان قدس رضوی